



فهرست مطالب

- ۲..... سخن هفته
- ۳..... واکنش مقامات بلندپایه خارجی و شورای امنیت به عملیات تروریستی اهواز
- ۴..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۷..... آغاز سال تحصیلی و عذاب دانش آموز و معلم در ایران
- ۹..... ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار محروم از تحصیل
- ۱۰..... آینده تباه شده کودکان بر سر سفره‌های عقد
- ۱۱..... تشکیل «گروه اقدام ایران» در تقابل با کلیه قوانین بین‌المللی است
- ۱۳..... اعتراض یک زن فعال ضدجنگ
- ۱۴..... سخنی کوتاه در افشای شبکه امپریالیستی، صهیونیستی «توانا»
- ۱۵..... اعدام ۳ زندانی سیاسی را شدیداً محکوم می‌کنیم
- ۱۶..... استالین و افسانه «بلشویک‌های قدیمی»
- ۱۹..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۰..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام



فشارهای اخیر آمریکا و خروج آمریکا از برجام و ادامه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران نیز زمینه‌ساز این اقدامات تروریستی و مکمل آنند.

شکی نیست هرگونه اقدام تروریستی برای ایجاد ترس و وحشت و بی‌ثباتی در ایران و مرزهای ایران بر ضد منافع عموم مردم ایران است و نمی‌تواند مورد تأیید نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی قرار گیرد. این اعمال تروریستی و ضدانسانی محکوم باید گردند. این اقدامات تروریستی شرایط سرکوب مبارزات کارگری و جنبش‌های مدنی را بیشتر فراهم می‌کند و آنها را به حاشیه می‌راند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی همواره از این اعمال جنایتکارانه نیز بهره‌جسته به تشدید سرکوب جنبش‌های اجتماعی ایران پرداخته است.

مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان، فقط با مبارزای متشکل و توده‌ای و سازمان‌یافته می‌توانند به مبارزاتشان علیه ارتجاع سرمایه‌داری حاکم در پیوند علیه امپریالیسم و مزدورانش ادامه دهند و این تنها راه صحیح برای استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران است. سوری، لیبی و عراقیزه‌شدن ایران برای مردم میهن ما بزرگ‌ترین مصیبت و فاجعه قرن است و باید هوشیارانه در مقابل آن ایستاد.

مرگ برامپریالیسم آمریکا و مزدوران تروریست‌اش!
 زنده باد اتحاد و همبستگی خلق‌های ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم!
 برگرفته از صفحه فیسبوک حزب کار ایران (توفان) •

سخن هفته

حرکات کور تروریستی و جنایتکارانه محکوم است.

شنبه ۳۱ شهریور. ۱۳۹۷

در پی حمله تروریستی امروز به رژه نیروهای مسلح در اهواز، یعقوب، سخنگوی «جنبش عربی آزادیبخش الاحواز»، که خود را مدافع حقوق اعراب ساکن خوزستان توصیف می‌کند، گفت: «مقاومت ملی الاحواز، که نهاد عام تر و شامل چند گروه است، مسئولیت را قبول می‌کند.... این عملیات جزئی از مقاومت مشروع ما است و هیچ شهروند عادی هدف قرار نگرفت».

سخنگوی گروه تجزیه طلب «الاحوازیه»، که از عربستان حمایت مالی و نظامی می‌شود، بیش‌رمانه کشتار غیرنظامیان را انکار می‌کند، اما مسئولیت کل این عملیات تروریستی و نفرت‌انگیز را تقبل کرده است. طبق اخبار منتشر شده، تعداد کشته‌شدگان تاکنون ۲۹ نفر و حدود ۶۰ نفر مجروح شده‌اند. این عملیات تروریستی شبیه به عملیات تروریستی است که توسط داعش در مجلس در دو سال گذشته صورت گرفت. آمریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش سال‌هاست از جریانات تجزیه‌طلب و سازمان مجاهدین رجوی و تروریست‌های داعشی، علیه ایران حمایت می‌کنند و خواهان جنگ داخلی و فروپاشی نظام جمهوری اسلامی‌اند.



واکنش مقامات بلندپایه خارجی و شورای امنیت به عملیات تروریستی اهواز

شدت محکوم می‌کنیم. از خداوند متعال برای جان باختگان طلب رحمت و مغفرت کرده و برای مجروحان آرزوی شفای عاجل داریم. جان باختن شماری از شهروندان را به مردم و دولت ایران تسلیت عرض می‌کنیم.» استفان شولتز، سفیر اتریش در ایران، نیز در پیامی توییتی نوشت: «اتریش به خانواده قربانیان حمله تروریستی ناگوار در اهواز صمیمانه تسلیت می‌گوید.» وزارت خارجه عمان نیز در پیامی کشته شدن ۲۹ تن و زخمی شدن ۵۷ تن دیگر را در حمله‌ای تروریستی به شدت محکوم کرده است.

نوکران امپریالیسم، که در قالب اپوزیسیون جولان می‌دهند، این عملیات تروریستی را محکوم نمی‌کنند و هر روز بی‌اعتبارتر از روز پیش می‌گردند. برخی‌ها نیز برای مشوب افکار و رد گم کردن، این ترور را کار خود رژیم تبلیغ می‌کنند، تا مداخلات امپریالیستی را دروغ جلوه دهند و بدین ترتیب در چشم مردم خاک می‌پاشند. حزب ما بارها تأکید کرده است که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه‌داری به دست مردم قهرمان ایران و بر ضد دشمنان ایران وظیفه هر ایرانی است. جاسوسان و وطن‌فروشان ایرانی حاضر نیستند علیه امپریالیسم و صهیونیسم و داعش و جریان‌های تجزیه طلب موضع‌گیری کنند. گردهای ناسیونال شونیست در آغوش نتانیاهو پرورده می‌شوند. این همدستان او با اسرائیل را باید شناخت و بر ضد آنها مبارزه کرد. محکومیت جهانی عملیات تروریستی در اهواز به نفع مردم ایران و موجب افشای امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، که خواهان آشوب و بی‌ثباتی و جنگ نیابتی در ایران هستند، گشته است.

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، اولین مقام بلندپایه خارجی است که به حمله خونین اهواز واکنش نشان داد و کشته شدن شهروندان نظامی و غیرنظامی ایران را محکوم کرد. شورای امنیت سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای حمله تروریستی در اهواز را محکوم کرد. اعضای شورای امنیت عمیق ترین مراتب همدردی و تسلیت به خانواده قربانیان ایران را بیان داشتند و آرزو کردند که مجروحین به سرعت بهبود کامل یابند. اعضای شورای امنیت مجدداً تأکید کردند که تروریسم در تمامی اشکال و مصادیق یکی از شدیدترین تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی است. اعضای شورای امنیت تأکید کردند هرگونه عمل تروریستی فارغ از انگیزه، مکان، زمان و شخص مرتکب، مجرمانه و غیرقابل توجیه است. آنها مجدداً تأکید کردند همه دولت‌ها براساس منشور ملل متحد و دیگر تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل مهاجرت و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، باید با تمام وجود با تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اعمال تروریستی مبارزه کنند. پیش از این آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل، نیز این حمله تروریستی را محکوم کرده بود. راب مک‌کایر، سفیر بریتانیا در تهران، در توییتی نوشت: «یک حمله تکان‌دهنده تروریستی. هر جا تروریسم اتفاق بیفتد، باید محکوم شود. تمام تسلیت ما به خانواده‌های قربانیان.» سفیر پاکستان در ایران حمله به رژه در اهواز را محکوم کرده است. وزارت خارجه ترکیه نیز این حمله تروریستی در اهواز را محکوم کرده است. به گزارش خبرگزاری آنا تویلی در بیانیه این وزارتخانه آمده است: «این حمله خائنانه را به

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



در جبهه نبرد طبقاتی

ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگران در شهریور ماه

کارگران رزمنده ایران، سال ۹۷ را با اعتراض و اعتصاب برای به دست آوردن حقوق حقه خود آغاز کردند و در شش ماه اول سال تا پایان شهریور دست از مبارزه برنداشتند و مصمم و پیگیر، با همان خروشندهگی آغازین سال، پاییز را شروع کردند.

در شهریور ماه نیز همانند ماه‌های دیگر، کارگران در اقصی نقاط ایران، بدون کوچکترین عقب نشینی، به رزم بی‌امان خود ادامه دادند و برگ زرین دیگری به دفتر جبهه نبرد طبقاتی افزودند. مرداد ماه را با اعتراض و تجمع و اعتصاب به پایان بردند و شهریور ماه را با اشکال گوناگون اعتراض آغاز کردند.

در شهریور ماه شاهد ده‌ها اعتراض کارگری بودیم، که اهم خواسته‌های کارگران شریف زحمتکش «دریافت حقوق معوقه و دیگر مزایای پرداخت نشده ماه‌های پیش، لغو قراردادهای موقت، حق داشتن تشکل مستقل، آزادی فعالان کارگری و صنفی و ...» بود. در میان اعتصابات و اعتراضات کارگری و صنفی مهم‌ترین آن‌ها اعتصابات رانندگان و کامیون‌داران بوده و همچنان ادامه دارد. با توجه به محدود بودن صفحات نشریه متأسفانه نمی‌توانیم به تمامی حرکات اعتراضی انجام شده کارگری در شهریور ماه به‌پردازیم، لیکن تا آنجایی که کلیتی از مبارزات کارگری در این ماه را برای خوانندگان توفان روشن کند، به آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

نفت، گاز و پتروشیمی

۴ شهریور: کارگران پتروشیمی گچساران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های معوقه‌شان از چهارم شهریور دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

۷ شهریور: کارگران شرکت «کک سبز» چهارشنبه ۷ شهریور در اعتراض به تعویق مطالبات مزدی خود، اعتصاب کردند. شرکت «کک سبز» (کک نفتی خام)، که تولیدات آن حاصل بازیافت ته مانده‌های سنگین نفتی است، در دهه ۱۳۸۰ در خرمشهر تأسیس شده است.

۱۳ شهریور: روز سه‌شنبه ۱۳ شهریور ۹۷ کارگران پتروشیمی فارابی در ماهشهر به اعتصاب خود مبنی بر اعتراض به دستمزد پایین، که در نتیجه عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل از روز ۶ شهریور آغاز شده بود، ادامه دادند.

۱۴ شهریور: روز چهارشنبه ۱۴ شهریور ۹۷ کارگران فاز ۲۰-۲۱ عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق‌شان دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

۱۹ شهریور: کارگران پیمانکاری واحد تعمیرات برق و ابزار دقیق پالایشگاه دوم میدان گازی پارس جنوبی، ۱۹ شهریور به علت عدم دریافت دو ماه دستمزد و نداشتن قرارداد در سال ۱۳۹۷ و عدم دریافت اضافه دستمزد در سال ۱۳۹۷ اعتصاب کردند. این در حالی است که این پالایشگاه در حال تعمیرات اساسی است، کارگران از اتاق‌های استراحت خود خارج نشدند و به سایت صنعتی وارد ننگردیدند.

۲۱ شهریور: کارگران فاز ۱۳ کنگان پارس جنوبی در اعتراض به ۴ ماه مزد معوقه و عدم پرداخت حق بیمه خود دست به اعتصاب زدند. کارگران میگویند با شروع مدارس برای تهیه هزینه نیازمندی‌های مدارس فرزندان‌شان نیاز به دستمزد خود دارند و بخاطر تعویق در پرداخت آن دست به اعتصاب زده‌اند.

نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت‌تپه به اعتصاب خود که از هفته آخر مرداد آغاز شده بود، ادامه دادند. از اهم خواسته‌های کارگران نیشکر هفت تپه،

۵ شهریور: روز دوشنبه ۵ شهریور رانندگان سواری کرایه بین‌المللی مشهد-هرات در پایانه مشهد دست به تجمع و اعتصاب زدند. این اعتصاب به این علت صورت گرفت که گمرک ایران از سواری‌های مسیر مشهد-هرات و بالعکس به ازای هر نفر سیصد هزار تومان خروجی می‌گیرد. در حالیکه کرایه دربست هر ماشین سیصد و هشتاد هزار تومان است!

۱۰ شهریور: روز شنبه ۱۰ شهریور ماه ۹۷ رانندگان ترانزیت در شهر مرزی مهران، در پاسخ به فراخوان قبلی در پایانه این شهر تجمع کردند. این اعتصاب و تجمع در اعتراض به کاهش دستمزد رانندگان بود. همزمان جمعی از رانندگان کامیون در شهرهای گرگان «استان گلستان»، و مهران «استان ایلام» دست به اعتصاب زدند. در گرگان رانندگان برای تجمع اعتراضی ۴ روزه، خودروهای خود را در مسیر اتوبان گذاشتند. در پی اعتصاب کامیون‌داران و کمبود سوخت در برخی نواحی استان سیستان و بلوچستان، اتومبیل‌ها در شهر سراوان در مقابل پمپ بنزین‌ها صف طولانی تشکیل دادند. روزهای بعد اعتصاب رانندگان به شهرهای زرین شهر، اصفهان، زنجان، سمنان گسترش یافت. رانندگان اعتصابی در پایانه زنجان علی‌رغم دخالت مأموران لباس شخصی، تجمع اعتراضی خودشان را برگزار کردند.

۱۲ شهریور: اعتصاب همگانی کامیون‌رانان تا روز دوازدهم شهریور ادامه یافت. اعتصاب به بخش‌های دیگر اصفهان، اراک، ساوه، خاش و سرخس گسترش پیدا کرد.

۱۳ تا ۱۴ شهریور: روزهای سیزدهم و چهاردهم شهریور رانندگان کامیون در زنجان، ساوه، گمرک سرخس، دامغان، مهدی شهر سمنان، ساری، آمل، قائم‌شهر، اصفهان و سردشت، نیشابور به اعتصاب و اعتراض ادامه دادند.

کارگران راننده نیشابور تا روز بیستم شهریور در اعتصاب بودند.

رانندگان مینی‌بوس سرویس مدارس در شهرستان الوند در استان قزوین در اعتراض به تعیین پیمانکار توسط دولت، در آموزش پرورش استان قزوین، برای سرویس مدارس دست به اعتصاب و تجمع زدند.

۱۳ شهریور: رانندگان تاکسی درون شهری پاوه، در استان کرمانشاه، روز سیزدهم شهریور بعثت پایین بودن دستمزدشان اعتصاب کردند.

۱۵ شهریور: صدها تن از رانندگان تاکسی در آهر در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه پنج‌شنبه ۱۵ شهریور دست به اعتصاب زده و مقابل مرکز تاکسیرانی در این شهر تجمع کردند.

۱۹ شهریور: دوشنبه ۱۹ شهریور رانندگان تاکسی در شهرستان آذرشهر (آذربایجان شرقی)، به دلیل دستمزد پایین و بالارفتن قیمت قطعات یدکی و عدم توانایی در تعمیر و نگهداری وسایل نقلیه، دست از کار کشیده و در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

شهرداری

رانندگان طرح مکانیزه جمع‌آوری و حمل خاک و ضایعات

پرداخت معوقات مزدی و امکان برخورداری از مزایای بازنشستگی پیش از موعد است، که در لیست بیمه آن‌ها، کار سخت و زیان‌آور ذکر نشده است. در این تجمع، کارگران رسمی، روزمزد و همچنین کارگرانی که در آستانه بازنشستگی هستند، شرکت داشتند. رزم کارگران این واحد تولیدی در حالی ادامه دارد که کارگران تحت فشار انواع و اقسام تهدیدات و فشارهای کارفرمایان و مسئولین انتظامی و حکومتی هستند، تا به اعتصاب خود پایان دهند، ولی کارگران متحد و پیگیر مصمم هستند که اعتصابشان، تا دستیابی به مطالباتشان، ادامه داشته باشد. تمامی کارگران بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراضات، نسبت به تأخیر در پرداخت دستمزد شرکت داشته‌اند. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه مورد پشتیبانی دیگر کارگران و تشکلات کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد قرار گرفته است.

گروه ملی فولاد اهواز

از دیگر اعتصابات به حق کارگری در شهریور ماه، می‌توان به اعتصاب، تجمع و راهپیمایی کارگران گروه ملی فولاد اهواز اشاره کرد. کارگران رزمنده این واحد بزرگ صنعتی که از اواخر مرداد در رابطه با معوقات مزدی خود اعتراضات خیابانی داشتند، در شهریور ماه نیز دست به اعتصاب زده و اقدام به راهپیمایی در اهواز کرده‌اند.

اعتصاب رانندگان و کامیون‌داران

رانندگان کامیون، تقریباً در اکثر شهرهای بزرگ و کلیدی به طور یکپارچه و متحد، دست به اعتصاب زده‌اند. در شهر اصفهان، منطقه شاپور، مقابل پایانه شهر، اقدام به تجمع و اعتصاب کردند. همچنین رانندگان کامیون، در مشهد، در روز شنبه سوم شهریور در اعتراض به پایین بودن حقوق و گرانی قطعات یدکی و پاسخ ندادن به مطالباتشان، اعتصاب کردند و در مقابل ستاد شهرداری کامیون‌های خودشان را متوقف ساختند.

۳ شهریور: همچنین رانندگان در جاده اهواز، در روز شنبه ۳ شهریور در اعتراض به پایین بودن کرایه‌ها و گرانی لوازم یدکی، تجمع و جاده را مسدود کردند. رانندگان کامیون در یزد نیز به صورت همگانی اعتصاب کردند و ماشین‌ها را خواباندند.

۵ شهریور: رانندگان تاکسی در شهرهای قزوین و خرم‌آباد روز دوشنبه ۵ شهریور دست از کار کشیده و تجمع کردند. خواسته آنها اینست که در ازای مبالغ دریافتی شرکت‌های حمل و نقل به عناوین مختلف از رانندگان، امکانات لازم در اختیار رانندگان قرار گیرد.

رانندگان خط بی.آر.تی ۵ در تهران در اعتراض به کم شدن مزایای خود، با تجمع در مقابل دفتر پایانه بیهقی، اتوبوس‌هایشان را متوقف و از سوارنمودن مسافر خودداری ورزیدند.

۵ شهریور: روز دوشنبه ۵ شهریور ۹۷، رانندگان خودروهای استیجاری شرکت ایران-آروین در شهرک صنعتی بوکان، در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق خود، دست به اعتصاب زدند.

می‌گویند که باید حقوق‌های معوقه‌شان پرداخت شود، تا به سر کار خود بازگردند.

۵ شهریور: کارگران شرکت کارتن ایران، واقع در محله شادآباد تهران، روز دوشنبه پنجم شهریور در اعتراض به اخراج چهار نفر از همکارانشان دست از کار کشیده و تحصن کردند.

۱۹ شهریور: کارگران شیفت صبح کارخانه پارس میل لنگ (فولاد قزوین) واقع در تاکستان، دوشنبه ۱۹ شهریور در اعتراض به اخراج همکارانشان ۴ ماه دستمزد معوقه، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

۲۷ شهریور: روز ۲۷ شهریور ۱۶ نفر از کارگران مبارز و اعتصابی کارخانه هپکو اراک به دادگاه احضار شدند که پشتیبانی تمامی کارگران و تشکلات مستقل از آن‌ها را به دنبال داشت.

۳۱ شهریور: در ۳۱ شهریور ماه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در موجی از پشتیبانی کارگران اصناف دیگر آغاز گشت، که تا هم اکنون ادامه دارد.

با پایان شهریور ماه و آغاز بازگشایی مدارس پیکار معلمان مبارز ایران برای تحقق حقوق صنفی سیاسی خود و آزادی یارانی که در زندان رژیم اسلامی به سر می‌برند، شدت خواهد گرفت. پیکار معلمان، کارگران، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش نویدبخش است. ضرورت ایجاد تشکلات متنوع مستقل کارگری و ارتباط تمامی اقشار و اصناف کارگری با یکدیگر از طریق یک اتحادیه سراسری و در نهایت داشتن رهبری سیاسی و حزبی میرمترین نیاز جنبش کارگری ایران است. کارگران و زحمتکشان بدون تشکیلات و رهبری آگاه سیاسی هیچ‌اند، اما با تشکیلات و رهبری حزبی همه چیز! •

زنده باد نبرد کارگران علیه سرمایه‌داران!
زنده باد تشکیلات و حزبیت!

ساختمانی شهرداری مشهد، اعتصاب کردند و در مقابل ستاد خاک و نخاله ساختمانی (مپ)، واقع در میدان حافظ، تجمع کردند.

۵ شهریور: کارکنان بیمارستان فوق تخصصی خمینی کرج، دوشنبه پنجم شهریور اعتصاب کرده و مقابل استانداری البرز تجمع کردند. همچنین کارکنان این بیمارستان در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ تا ۱۰ ماه حقوق معوقه خود مقابل سازمان همیاری شهرداری‌های استان البرز نیز تجمع کردند.

۷ شهریور: کارگران شهرداری زابل، که چهارماه است حقوق نگرفته‌اند، روز چهارشنبه هفتم شهریور مجدداً دست به اعتصاب زدند.

۱۳ - ۱۴ شهریور: روز سه شنبه ۱۳ شهریور کارگران منطقه ۲ شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد عقب‌افتاده‌شان دست به اعتصاب زدند و مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند. و روز چهارشنبه نیز در اعتصاب به سر بردند و شهرداری را تعطیل کردند.

۱۵ شهریور: پنج شنبه ۱۵ شهریور کارگران شهرداری منطقه ۴ اهواز، برای سومین روز متوالی، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماه خود، اعتصاب کردند. این اعتصاب کارگران در حالی ادامه داشت که پیمانکار به پستوانه حکومت سرمایه‌داری اسلامی، آنها را تهدید به اخراج از کار می‌کرد.

بازنشستگان

۲۰ شهریور: سه شنبه ۲۰ شهریور ۹۷ تجمع بازنشستگان کشوری و پرستاران در مقابل سازمان برنامه و بودجه، بازنشستگان یزد، بازنشستگان کشوری در مشهد، کارگران بازنشسته، بخش آموزشی بروجرد و کرمانشاه، در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به تجمع زدند.

راه آهن

۳ شهریور: کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن در نواحی ریلی جلفا، هادی شهر، مرند و عجب شیر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه، از صبح شنبه ۳ شهریور ماه اعتصاب کرده و با برپایی یک تجمع در محوطه محل کار خود خواستار پرداخت مطالبات مزدی و لغو قراردادهای موقت شدند.

۳ شهریور: کارگران شرکت کیسون پیمانکار اجرای طرح قطار شهری اهواز روز شنبه ۳ شهریور، در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۶ ماه دستمزد خود، اعتصاب کردند.

دیگر کارگران

کارگران پروژه حفر تونل و انتقال آب کانی سیب به دریاچه اورمیه به دلیل پرداخت نشدن دستمزدشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. کارگران این پروژه به دلیل پرداخت نشدن دستمزد و اضافه کاری شان از عید امسال تاکنون، اعتصاب کردند. فرماندهان سپاه بارها از کارگران خواستند که به سر کار خود بازگردند، اما معترضان





آغاز سال تحصیلی و عذاب دانش‌آموز و معلم در ایران

گزارش مختصری در مورد اوضاع مدارس و آموزش در ایران

گزارشی را که در زیر ملاحظه می‌کنید، «دل‌نوشته» آموزگاری است که در آستانه بازگشایی مدارس به رشته تحریر درآورده است. زندگی معلمان و دانش‌آموزان میهنمان نیز جدا از شرایط مصیبت‌بار سایر طبقات و اقشار زحمتکش و تحت ستم ایران نیست. افزایش خصوصی‌سازی‌ها و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی و پولی کردن آموزش به تشدید فقر و شکاف طبقاتی در بخش آموزش نیز منجر شده است. بازتاب این سیاست ارتجاعی و سرمایه‌دارانه را از زبان آموزگار دلسوز و مبارزی که به هیچ‌وجه زورگویی‌های مستبدان حاکم را برنمی‌تابد و از دانش‌آموزان و حقوق معلمان جسورانه دفاع می‌کند، در گزارش زیر می‌خوانید.

هیات تحریریه

گمان مبرید وقتی از مدرسه و آغاز سال تحصیلی در ایران سخن به میان می‌آید، دانش‌آموز و معلم ثقل در دهانش آب می‌شود! من در این «دل‌نوشته» برای دوستان ایران و مردم ایران در خارج از کشور گوشه‌ای از روال کار در مدارس وطن‌مان، ایران، را بازگو می‌کنم. زمان ثبت‌نام دانش‌آموزان است و بخش اعظم والدین رَمَق و یارای رفتن به مدرسه را ندارند. می‌دانید چرا؟ هر چند قانوناً مدارس در ایران رایگان است و دریافت شهریه در مدارس دولتی غیر قانونی است، ولی مدیر مدرسه اجباراً از والدین شهریه دریافت می‌کند. بسته به همت مدیر مدرسه، شهریه‌ها بین ۵۰ هزار تا یک میلیون و به بالا متغیر است. در برخی از مدارس، اگر والدین مقاومت کنند، ثبت‌نام صورت نمی‌گیرد و مدیر مدرسه از والدین می‌خواهد بر علیه او اقدام کنند. در ایران چند شماره تلفن هست که با تماس با آنها ظاهراً باید به شکایات والدین در این خصوص رسیدگی کنند. شما می‌توانید ساعت‌ها و روزها به این شماره‌ها تلفن بزنید. هیچ‌وقت

موفق نخواهید شد با کسی تماس برقرار کنید. در نتیجه از خیرش گذشته و شهریه را پرداخت می‌کنید. در اکثر مدارس، بسته به شیوه کار مدیر مدرسه، البته دریافت شهریه واقعاً اجباری نیست. حتی مدرسی هست که مدیر و انجمن والدین به والدینی که قدرت مالی بهتری دارند، مراجعه می‌کنند که شهریه بیشتری به‌پردازند و بدین صورت به طبقه و اقشار فقیر کمکی می‌شود. نقش مدیر مدرسه به طور چشم‌گیری سنگین است. یک مدیر خوب و دلسوز توان این‌را دارد که مدرسه را از آغاز تا پایان به نحو شایسته اداره کند. وای به حال دانش‌آموز و معلم آن مدرسه‌ای که مدیر دانا، دلسوز و شجاع نداشته باشد.

به تهیه کتاب‌های درسی که می‌رسید، مشکل زیادتر می‌شود. شاید در اولین نگاه هزینه کتاب‌ها زیاد نباشد، ولی همه دانش‌آموزان از پس تهیه کتاب‌های کمکی (کمک آموزشی) برنمی‌آیند و جالب این‌که گاهی تهیه کتاب‌های کمکی آموزش اجباریست! این مسئله من را به یاد دوران رژیم سابق می‌اندازد که همین مشکل را من هم داشتم. حتی برای آمادگی کنکور دانشگاه هم هرگز نتوانستم حتی یک کتاب کمکی تهیه کنم. بخصوص که در شهرستان زندگی می‌کردم و نه در تهران.

برای تهیه کتاب‌های درسی نیز با کمک مدیر مدرسه و انجمن والدین، نهایتاً والدینی که قدرت مالی بهتری دارند به دیگر دانش‌آموزان کمک می‌کنند و این خوب است. در کنار مدارس دولتی، مدارس هست به نام «مدرسه فرهنگیان» و یا «مدرسه شاهد» و در دبیرستان نیز در کنار دبیرستان‌های دولتی معمولی، دبیرستان‌های «تیزهوشان و نمونه» که دانش‌آموزان باهوش را در کنار فرزندان شهید و جانباز می‌پذیرند. از من نه‌پرسید که دانش‌آموز باهوش چه ربطی به فرزند شهید و جانباز دارد! شهریه این مدارس گاهی و برای برخی سر به فلک می‌زند. اکثراً فرزندان جانبازان و شهدا از پرداخت شهریه معاف‌اند. من که بچه کوچک ندارم، ولی از اقوام و دوستان می‌شنوم که شهریه این مدارس تا ۲۰ میلیون تومان است. شما در نظر بگیرید، آن کارگر، آن معلم و آن دیگر کارمند را که حقوق ماهانه او کمتر از ۲

گذاشته‌اند «پرسش مهر!» عجب مه‌ری!!! معاون پرورش به بسیج دستور می‌دهد که تا می‌توانند تصاویری از تظاهرات در اختیار معاون پرورش قرار دهند. آنکه در تظاهرات دولتی شرکت می‌کند، امتیاز می‌گیرد و آنکه شرکت نمی‌کند، مجازات می‌شود. بر عکسش شرکت در تظاهرات اعتراضی است. یک نکته مرا همیشه عذاب می‌دهد؛ معاون پرورش مدرسه از ترفندی استفاده می‌کند که هرگز قابل بخشش نیست. با عناوین مختلف از دانش‌آموز می‌خواهند که از محیط خانه نقاشی کنند و مطلب به‌نویسند. البته نامش را نهاده‌اند «دلنوشته». و بدین صورت دانش‌آموز را به سوی «جاسوسی» از محیط خانه سوق می‌دهند!

اگر معلمی، بخصوص اگر زن باشد و قصد مرخصی بدون حقوق کند و بخواهد به خارج سفر کند، باید هفت‌خوان رستم را بگذراند. هم مدیر مدرسه و هم معاون پرورش مدرسه از معلم سوال و جواب می‌کنند که چرا قصد سفر به خارج را دارد. معلم فلک‌زده باید در برابر حراست نیز جواب‌گو باشد. گاه دیده می‌شود حراست از طریق همسایه‌های معلم در مورد این فرد اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند! به طوری که معلم از خیر سفر به خارج می‌گذرد و به شام سفر می‌کند و نه به پاریس. به قُم سفر می‌کند و نه به رُم. سفر به عتبات امتیازآور است و سوال و جواب هم ندارد. حجاب معلم و دانش‌آموز به عهده همین معاون پرورش است. علاوه بر متقنه از معلمین خواسته می‌شود، با چادر حجاب‌شان را رعایت کنند. کمتر معلمی تن به حجاب با چادر می‌دهد. عاقبت‌اش چه می‌شود، مهم نیست. هر چه بادا باد! آفرین به مقاومت این زنان! این را هم گفته باشم که در بسیاری از مدارس مدیر مدرسه از حقوق معلم و دانش‌آموز دفاع می‌کند و حتی در برابر معاون پرورش محکم و استوار می‌ایستد. باید قدر این مدیران را عزت داشت. در مدارس چند ماهی از طریق نهادهای دولتی تغذیه رایگان صورت پذیرفت. هیچ کس نه پرسید چرا تغذیه رایگان اجرا نمی‌شود! در بسیاری از مدارس روزانه ۶۰ سی‌سی شیر رایگان به دانش‌آموزان داده می‌شود، که هزینه آن نه از طریق نهادهای دولتی، بلکه توسط مدیر، معلمین و والدین پرداخت می‌شود. آنجا که پای والدین (انجمن والدین) در امور مدرسه باز است، بیشترین خدمت به مدرسه، معلم و دانش‌آموز انجام می‌پذیرد. به طوری که اگر مدیریت مدرسه را تنها به والدین و معلمین واگذار کنند، دانش‌آموز با روحیه‌ای خوش، خندان، پیروز و سربلند مدرسه را به پایان می‌رساند. دانش‌آموز از معلمی که لباسی رنگین بر تن دارد، لذت می‌برد و این در چهره دانش‌آموز هویدا است. او نمی‌داند که چنین معلمی به خاطر چنین پوششی مجازات می‌شود. چنین معلمی طی روز و در کلاس درس لذت می‌برد و چون حراست و معاون پرورش او را احضار می‌کند، ترس و جودش را فرا می‌گیرد، که مبادا اخراجش کنند. اگر اخراجش کردند و پرونده‌ای هم زیر بغل‌اش نهادند، با چنین پرونده‌ای، که گاهی از پرونده جنایت هم سنگین‌تر است، در جامعه چه کند؟ مدارس ایران حال خوشی ندارند، تنها با اتحاد و یگانگی و همبستگی همه محرومان جامعه و به چالش گرفتن سردمداران دزد و فاسد و ضد علم و دانش است، که می‌توان به آینده بهتری امیدوار و خوشبین بود!

میلیون تومان است. آن دانش‌آموز باهوش که دست بر قضا و از سر «بد شانس» فرزند چنین والدینی است، چرا نمی‌تواند از امکانات چنین مدرسی استفاده کند؟! مهم نیست. اسلام که در خطر نباشد بقیه مسائل حل می‌شود! باز هم در اینجا مدیر مدرسه می‌تواند نقش بسیار مثبتی ایفا کند. در کنار مدیر مدرسه، بستگی به بزرگی مدرسه، یک معاون اجرایی مشغول به کار است، که وظیفه امور اجرایی مدرسه را عهده‌دار است. یک معاون آموزشی، که وظیفه‌اش رابطه با والدین و معلمین است. معاون بعدی در بخش فن‌آوری مشغول است، که امور تکنیکی مدرسه بخصوص در بخش کامپیوتر در اختیار او است. این همه معاون!!؟ و این در حالیست که دولت قدرت پرداخت حقوق معلمین را هم ندارد. از حال به بعدش جالب می‌شود! یک مدیر پرورش مشغول به کار است. فکر می‌کنید وظیفه این مسئول چیست؟ وظیفه معاون پرورش نه پرورش دانش‌آموز، بلکه تبلیغات اسلامی است و مثل «شمر» بالای سر دانش‌آموز و معلم ایستاده و تمام حرکات دانش‌آموز و معلم فلک‌زده را تعقیب و کنترل می‌کند. این معاون در درون کلاس جاسوسانی دارد، که تمام حرکات غیر اسلامی دانش‌آموز و معلم را گزارش می‌دهند. این جاسوسان بابت‌اش امتیازاتی را از مدرسه می‌گیرند. معلم اجازه ندارد در کلاس درس «بحث اجتماعی» (به همین صورت گفته می‌شود) صورت دهد. معلم باید بطور کل کوچک‌ترین کلمه‌ای از سیاست و دشواری‌های موجود در جامعه نه‌گوید. مسائل سیاسی و اجتماعی به عهده معاون پرورش است، که همان تبلیغات اسلامیت. معاون پرورش مدرسه دانش‌آموز و معلمین را برای شرکت در نماز مجبور می‌سازد. در این مورد کلاس‌ها را تقسیم می‌کند و هر هفته یک یا چندبار دانش‌آموز و معلم اجباراً در نماز شرکت می‌کنند. معاون پرورش پیرامون تبلیغات اسلامی زمان زیادی را صرف می‌کند، بطوری که روزانه شیخی را نیز برای تبلیغات دعوت می‌کند. نماز و تبلیغات سیاسی، اجتماعی و مذهبی توسط شیخ مفت‌خور و بی‌سواد صورت می‌گیرد. اگر دانش‌آموز و یا معلمی در کلاس نماز و تبلیغات این شیخ حضور نداشته باشد، از نمرات‌اش کم می‌شود. به معلم اخطار داده می‌شود و از مزایای او کم می‌گردد. معلمین، به خصوص معلمین زن، در این خصوص به طور چشم‌گیری مقاومت می‌کنند و این خوب است. معاون پرورش با حراست اداره آموزش و پرورش همکاری می‌کند. حراست یک نهاد دولتی است، که نام آن معلم و دانش‌آموز را به وحشت می‌اندازد. آن معلم و یا دانش‌آموزی که با حراست درافتاد، ورافتاد. بسیج دانش‌آموزان، که تحت اختیار نظارت و کنترل معاون پرورش است، یکی از مخوف‌ترین نهادهای ارگان‌های مدرسه است. بسیجی‌بودن امتیاز می‌آورد. دانش‌آموز را مستقیم وارد دانشگاه می‌کند. در محیط دانشگاه نیز این بسیجی، بسیجی می‌ماند، چون امتیازآور است و تضمین‌کننده پُست و مقام. سرپرست بسیج دانش‌آموزان رابط بین دانش‌آموزان، معلمین و معاون پرورش است. بسیج دانش‌آموزان به عناوین مختلف از دانش‌آموزان سوال می‌کنند و دانش‌آموز مکلف به جواب دادن است. بسیج، تمام اطلاعات را در اختیار معاون پرورش و از این طریق در اختیار حراست قرار می‌دهد. نام این حرکت به غایت ضدانسانی را

کار و متکدی در جامعه هستیم. از طرفی دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند و دیگر به تحصیل ادامه نمی‌دهند از یادگیری خیلی از موضوعاتی که در آینده می‌تواند در زندگیشان به کار آید محروم می‌شوند».

ظاهراً حق تحصیل رایگان از ابتدائی تا دانشگاه در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد، اما اکنون نئولیبرالیسم افسارگسیخته جهانی به آن حمله می‌کند و خصوصی‌سازی آموزش فزاینده شده به طوری که همین خصوصی‌سازی به رشد تصاعدی ترک تحصیل و افزایش تعداد کودکان کار فراروییده است. تحقیقات نشان می‌دهند صدها هزار کودکان فعالیت دارند و بسیاری از بچه‌ها در سر کلاس درس توان تمرکز ندارند و خسته‌اند و سرانجام به ترک تحصیل می‌پردازند.

نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در خلال ۴۰ سال اخیر نشان داده است که دغدغه‌ای جز دزدی و فساد و اختلاس و پولشویی ندارد. وی حتا خواست و توان اجرای قانونی اساسی خودساخته خود را ندارد. جمهوری اسلامی دشمن علم و دانش است، هم دشمن کودکان است و هم دشمن معلمان دلسوز و متعهد میهن ما. در شرایط گسترش این همه کودک محروم از تحصیل و پشت درهای مدارس، بسیاری از معلمان تحصیل کرده و با کیفیت کشور ما در زندان اسیرند و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. جرم این معلمان زندانی، اعتراض به سیاست‌های طبقاتی و ستم‌گرانه جمهوری اسلامی است. از این‌روی پیکار با تمام سیاست‌های ارتجاعی و سرمایه‌دارانه جمهوری اسلامی و تمام مظاهر عقب‌مانده فرهنگی و شنن پوسیده مذهبی، که جامعه را به فقراء برده است، وظیفه حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است. سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران، که حق حیات و آینده را از کودکان میهن ما ربوده است، وظیفه عاجل حزب ما و همه نیروهایی است که با امپریالیسم و صهیونیسم مرز روشنی دارند و دلسوز مردم ایران‌اند. مردم ایران چشم‌انداز و امیدی در چهارچوب این نظام فاسد برای تحقق آموزش و تحصیل رایگان و حقوق کودکان ندارند. باید برای یک بدیل انقلابی و دمکراتیک در ایران بسیج شد و کاری کرد کارستان و جز این نخواهد شد. ●



۷ میلیون و ۴۰۰ هزار محروم از تحصیل

فریده اولادقباد، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ اظهارداشت: آمار تکان‌دهنده کودکان محروم از تحصیل، ۱۲۵ هزار کودک در رویای تحصیل تنها در دو استان کشور! در روزهای باز شدن مدارس، بار دیگر بحث تعداد دانش‌آموزان محروم از تحصیل اهمیت یافته است؛ بر پایه آمار سازمان بهزیستی حدود ۳۲۷ هزار کودک محروم از تحصیل تنها در تهران وجود دارد.

«رویداد ۲۴، محمد آیتی: تعداد کودکان محروم از تحصیل یکی از هزاران آماری است که اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست. وزارت آموزش و پرورش رقمی می‌گوید، سازمان بهزیستی رقمی دیگر و نهادهای مردم‌نهاد و ان‌جی‌اوها نیز اطلاعات دیگری می‌دهند. احتمالاً همین اختلاف آمار، خود نشانه‌ای از وخامت ماجرا باشد. بندی، سرپرست کنونی وزارت کار و رئیس بهزیستی، این آمار را در تهران، آنهم تنها در سه ماه نخست امسال، حدود ۳۲۷ هزار کودک ذکر کرده بود و گفته بود این تعداد در خیابان‌ها شناسایی شده‌اند. اگر آمار بهزیستی را مبنای بگیریم، و کودکان محروم از تحصیل در استان‌های دیگر در تخمینی خوش‌بینانه تنها یک‌سوم تهران محاسبه کنیم، با احتساب ۳۱ استان، به رقمی تخمینی ۳ میلیون و پانصد هزار کودک محروم از تحصیل خواهیم رسید. البته وضع وخیم‌تر از این است: آنگونه که در آخرین سرشماری آمده است، جمعیت ۷ تا ۱۹ ساله کشور چیزی حدود ۲۰ میلیون نفر هستند. اگر این رقم را در کنار آخرین آمار ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار دانش‌آموزی ایرانی به‌گذاریم، به نتیجه خوبی نخواهیم رسید: ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک محروم از تحصیل! با اینهمه وزارت آموزش و پرورش چه در دولت احمدی نژاد و چه در دولت روحانی محاسبه این چینی را نپذیرفته است. آمار هرچه باشد، اصل در ماجرا تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ آنهم در روزهای منتهی با باز شدن مدارس». «عضو فراکسیون امید مجلس در پایان خاطرنشان کرد: یکی از تهدیدهای عدم تحصیل کودکان همین است که شاهد حجم زیادی از کودکان



آینده تباه شده کودکان بر سر سفره‌های عقد

کودکان امروز آینده‌سازان فردای جوامع هستند و از همین روست که در کشورهای پیشرفته توجه همه‌جانبه نسبت به رشد و تکامل آنها از ضرورت‌های قانونی است. از معاینات پزشکی، تعلیم و تربیت تا ایمنی و امنیت کودکان، اقدام به تدوین قوانین در بخش‌های مختلف می‌کنند. با تأسف باید گفت در سایه شوم جمهوری اسلامی گام به گام شانس طی کردن مسیر طبیعی تکامل و بهره‌مندی از نشاط کودکی از آنان ربوده شده است. با تکیه بر مطالعات روانشناسی می‌توان به یقین گفت که روابط جنسی در سنینی که فرد درک درستی از آن ندارد، می‌تواند منجر به اختلالات و آسیب‌های روانی و جسمی جدی گردد. کودکان باردار حین بارداری و زایمان بیشتر دچار مشکلات دوران بارداری و زایمان می‌شوند و بیش از دیگر گروه‌های سنی آمار مرگ در این گروه به ثبت می‌رسد. مادران خردسال حتی اگر از خطر مرگ بپزهند، مسئولیت تعلیم و تربیت نوزدان بر شانه کوچک این مادران، که خود هنوز کودک هستند، سنگینی می‌کند و آنان دچار بیماری‌ها و اضطرابات مضاعف می‌شوند. زنان کودک در زندگی زناشویی هم بیشتر از گروه‌های سنی دیگر در معرض خشونت جسمی و جنسی شوهران خود قرار می‌گیرند. آمار قتل‌ها و آزار جنسی ثبت شده نیستند، اما همانی که به ثبت رسیده است، مشتی است نمونه خروار! زنان کودک با حسرت به آینده از دست‌رفته خود فکر می‌کنند.

ازدواج‌های زودهنگام وحشتناک‌ترین شوک زندگی این کودکان است. یک‌شبه حق سلامت روح و جسم، آموزش، تحصیل و امکان فراگیری حرفه از آنها گرفته می‌شود. بسیاری از ازدواج‌های زودهنگام به طلاق و یا فرار از خانه شوهر خاتمه می‌یابند. فرار مادران خردسال از خانه همسرانشان، بدون پناهگاه قانونی و

خانوادگی، برای بسیاری نقطه آغاز ورود آنها به چرخه مافیایی فروش زنان جوان به توریست‌های کشورهای منطقه، فاحشگی و اعتیاد است که برای از بین بردن معضلات برشمرده بیش از هرچه به تصویب قوانینی کاملاً روشن و صریح نیاز است. آنچه مسئولین و قانون‌گذاران تاکنون با بی‌شرمی هرچه تمام از تصویب آن سر باز زده‌اند و برعکس با حمایت قانونی، تجاوزات و خشونت به دختران خردسال در جمهوری اسلامی را قانونی اعلام کرده‌اند.

عوامل ازدواج‌های اجباری دختران در سنین پایین را می‌توان عمدتاً به سه بخش تقسیم کرد: ۱- فقر ۲- فرهنگ مذهبی، آداب و رسوم قومی و طایفه‌ای. ۳- عدم راهکاری قانونی برای جلوگیری از ازدواج کودکان.

۱- فقر عامل اصلی ازدواج زودهنگام:

آنگاه که خانواده‌های کم درآمد از کمک‌ها و حمایت دولتی بی‌بهره بمانند، هنگامی که بودجه کافی دولتی برای تحصیل زحمتکشان اختصاص نه‌گیرد، ترک تحصیل و خروج از مدارس اولین گامی است که خانواده‌ها مجبور به برداشتن‌اش می‌شوند، تا فرزندان‌شان سریعاً وارد بازار کار شوند. اولین قربانیان تنگنای مالی نیز دختران هستند. بسیاری از خانواده‌ها برای سبک‌ترکردن بار سنگین فقر مجبور می‌شوند دختران خود را به عقد مردانی غالباً سال‌مند درآورند. در برخی استان‌ها فقر چنان گسترش یافته است که خانواده‌ها باید بین گزینه مردن و ازدواج یکی را برای دختران‌شان انتخاب کنند. بار مسئولیت قانونی چنین تنگناها و تصمیماتی تنها بر دوش دولت است. اقدامات و برنامه روشن و شفافی، که نتایج مثبت داده باشد، تاکنون در کارنامه هیچ دولتی در ایران به ثبت نرسیده است.

وقتی که دختران ۹ تا ۱۰ سال به عقد مردان پولدار و بول‌لهوس در می‌آیند، یا آنگاه که از وجود ۲۴ هزار کودک بیوه زیر ۱۸ سال خبر می‌دهند، می‌توان به عمق فاجعه پی‌برد. گزارشات مبنی بر خرید و فروش دختران خردسال در مناطق مختلف دیگر زنگ خطر نیست، بلکه سونامی است که براه افتاده است. طبق آمار آبان ماه سال ۱۳۹۶، ۱۵۵ هزار و ۷۸۲ دانش‌آموز دختر در سال گذشته از تحصیل



تشکیل «گروه اقدام ایران» در تقابل با کلیه قوانین بین‌المللی است

حاکمیت ملی ایران، که از دیرباز همواره مورد تعارض و نقض آشکار دشمنان پیدا و نهان بوده و به خصوص در تاریخ صد ساله اخیر با دست بیگانگان و از طرف قدرت‌های امپریالیستی جهان پایمال می‌شده است، با وقوع انقلاب بهمن ۵۷ ایران توانست به استقلال سیاسی دست یابد و با برچیدن بساط سلطنت پهلوی از زیر سلطه خارجی بیرون آید.

امپریالیست‌ها و به خصوص امپریالیسم آمریکا، که دست‌شان از منافع عظیمی که از ایران می‌بردند، کوتاه شد و دیگر مانند گذشته نتوانستند بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران تأثیر گذارند و سیاست‌های خود را دیکته کنند. اما آنان هیچ‌وقت برای بازگشت به این بهشت سرمایه و طمع به این منافع از پای نه‌نشستند. اکنون چهل سال از این انقلاب و استقلال ایران می‌گذرد، اما هنوز قدرت‌های بزرگ در اندیشه بازگشت و دست‌یابی به این منافع سرشار از دست‌رفته خود و به انقیاد کشاندن ایران هستند و برای رسیدن به آن از همه ابزاری استفاده می‌کنند. تهدید به جنگ، ارباب و تحریم‌های اقتصادی کمرشکن بر علیه مردم ایران از نمونه‌های بارز این دست‌اندازی‌ها برای «رام» کردن رژیم جمهوری اسلامی هستند.

با ترغیب صدام حسین و عوامل‌شان با براه انداختن جنگ هشت ساله عراق و ایران سعی کردند به منظور پیشبرد اهداف شوم خود ایران را تضعیف کنند؛ مسیر انقلاب را از آنچه که می‌بایست طی کند، به کجراه کشانند و در این راه موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند، که اکنون ما شاهد آنها هستیم.

نتیجه این جنگ علاوه بر خرابی‌ها و کشته و زخمی شدن میلیون‌ها نفر که از دو طرف به جای ماند، فرصتی برای به وجود آمدن و پیدایش قشرها و باندهای قدرتی فراهم آمد، تا در درون رژیم جمهوری اسلامی بخزند و با در دست گرفتن بنگاه‌های عظیم اقتصادی و

بازماندند. این آمار تنها نوک قله فاجعه را نشان می‌دهد.

۲- مذهب، آداب و رسوم:

کودک‌همسری، ریشه در برخی از فرهنگ و عرف جامعه سنتی دارد. برای نمونه در بافت عشایری، مناطق مرزی به خصوص غرب و جنوب کشور، می‌توان آنرا مشاهده نمود. در برخی از استان‌ها چون نسبت دختران به مردان و پسران بیشتر است، بسیاری خانواده‌هایی که زیر بار فشار فقر زیاد و ترس از بی‌شوهرماندن دختران‌شان، در سنین کودکی آنها را در واقع می‌فروشدند. مسئولان بارها اعلام کرده‌اند که ازدواج‌های زیادی زیر پانزده سال صورت می‌گیرند و بیشتر آنها به شکل سنتی و پشت قرآنی است و در اداره‌های کل ثبت احوال ثبت نمی‌شوند. این امر منجر به رشد بی‌رویه جمعیت بدون اوراق هویتی، شناسنامه، عدم داشتن آمار مشخص از پدیده کودکان بیوه و مطلقه می‌گردد. بسیاری از این زنان کودک از طریق ازدواج با شوهرانشان بسیار مَسْنَن تر از خود به کارهایی مانند قاچاق مواد مخدر، خودفروشی و... مجبور می‌گردند. به استناد آمارهای رسمی استان‌هایی که بالاترین درصد ازدواج کودکان را به خود اختصاص داده‌اند، استان‌های خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان هستند. تنها در استان بوشهر ۵ درصد ازدواج‌ها زیر ۱۵ سال هستند. اداره ثبت احوال در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴ تعداد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال را ۴۰۰ هزار اعلام کرده بود. بی‌تفاوتی دولت نسبت به وضعیت کودکان در این مناطق و تدابیری چون ارتقاء سطح آگاهی جامعه، ارتقاء سطح آموزشی، ایجاد کار را می‌توان از عوامل اصلی ادامه وضعیت در چنین مناطقی نام برد.

۳- عدم راهکارهای قانونی و منع ازدواج کودکان و تأثیرات آن بر زندگی آنها:

ایران از اسفند ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است. به رغم اساسنامه این پیمان‌نامه حقوق کودک اما ایران مجاز است هر قانونی را که خلاف شرعیات اسلامی است، رد کند. سن پایان کودکی ۱۸ سال است، اما سن ازدواج قانونی برای دختران ۱۳ و پسران ۱۵ سال با تبصره قانونی «اذن ولی» و «تشخیص دادگاه صالح» امکان ازدواج کودکان زیر این سنین داده می‌شود! اما آیا آن دادگاه، که صلاحیت عقلانی برای ثبت بلوغ عقلی را براساس دانستن پاسخ درست به سوال قیمت نان و سیب‌زمینی و پیاز می‌داند، واقعاً دادگاه سالم و صالحی است؟ آیا آن پدر معتاد و پدري که با فقر و سرشکستگی مسئولیت خانواده را عهده‌دار است، اساساً قادر است تصمیم درست اتخاذ کند؟!

قوانین موجود نیاز به تغییر بنیانی دارند و در این راستا دولت موظف است راهکارهای لازم جهت ایجاد شرایط لازم، چون ایجاد شرایط آموزش حرفه، حمایت‌های مالی و امنیت اجتماعی برای قربانیان ازدواج‌های زود هنگام را تدوین و اجرا کند. دولت موظف است مبارزه‌های جدی علیه بیکاری، ترک تحصیل اجباری، ایجاد کار و کمک‌های رفاهی قدم‌های جدی بردارد. خواسته مددکاران اجتماعی آن است که دولت در روستاهای دورافتاده به حل مشکلات بومی به‌پردازد و نقطه پایان بر این مشکل اجتماعی به‌نهد. •

ترامپ است، که از زمان ورودش به کاخ سفید صورت گرفته است. ترامپ علاوه بر این گروه، کار گروهی مشترکی را با رژیم صهیونیستی اسرائیل به سرکردگی بنیامین نتانیاهو تشکیل داده است، که هدف آن تحریک اقوام و ملیت‌های مختلف و حمایت از تحرکات تجزیه‌طلبی آنهاست (کنفرانس دانشگاه جورج واشنگتن در شهر واشنگتن)، نمونه‌ای از این نوع تحرکات است که با شرکت افرادی مانند عبدالله مهتدی، دبیرکل حزب کومله، ضیاءالدین صدرالاشرفی به «نماینده‌گی» از خلق آذربایجان، ناصر بلیده‌ای، دبیرکل حزب مردم بلوچستان، غلامرضا حسین بر، دبیرکل جبهه متحد بلوچستان، کریم عبدیان، از حزب تضامن دموکراتیک اهواز و افرادی از سلطنت‌طلبان و افراد معلوم‌الحال دیگری، به زعامت و دعوت علیرضا نوری‌زاده در ۹ ژوئن ۲۰۱۸ برگزار شد، که خوشبختانه با شکست و خفت و خاری برای برگزارکنندگان روبرو گردید.

اغتشاش و ناآرام کردن ایران از طریق به راه‌انداختن جنگ اقتصادی، یکی دیگر از این اقدامات گروه «برایان هوک» می‌باشد. رئیس جمهور آمریکا اخیراً اعلام داشت که او خواهان مذاکره با ایران بر سر برجام نیست و خواهان چیزی بالاتر از مسئله هسته‌ای ایران است. بلافاصله «برایان هوک» در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸ در جلسه سخنرانی، که در مورد ایران در مؤسسه هادسن برگزار کرده بود، عنوان کرد که آمریکا به دنبال بستن یک «پیمان» با ایران است؛ وی اظهار داشت که «من در گفت‌وگوهایم با سایر کشورها در سراسر دنیا، تلاش می‌کنم مذاکرات را به مسائلی فراتر از صرف برنامه هسته‌ای گسترش بدهم. وی در سخنرانی خود برجام را «توافقی شخصی میان دو دولت» خواند و گفت که «ایران تهدیدی فراتر از برنامه موشکی و هسته‌ایش به شمار می‌رود»، که با اعتراض شدید و فریاد یکی از حضار به نام «مدنا بنجامین»، که از فعالان «جنبش ضد جنگ» است، روبرو گردید و این معترض چنین گفت: «آیا فکر می‌کنید تحریم‌ها علیه ایران به رژیم ایران آسیب خواهد رساند؟ این تحریم‌ها به مردم ایران لطمه می‌زند. نتیجه جنگ‌افروزی شما در عراق چه شد؟ این سیاست شما تجربه جنگ با عراق و جنگ با لیبی را تکرار می‌کند». این معترض اما با زور و بوسیله نیروهای امنیتی به خارج از سالن کشانده شد.

آنچه از شواهد بر می‌آید، آمریکا در پی توافقی است، نظیر توافق اتمی با کره شمالی، که به نظر می‌رسد رهبری جمهوری اسلامی با آن سرسازگاری ندارد. اما آیا جمهوری اسلامی می‌تواند در مقابل این زورگونی‌های آمریکا دوام آورد، آنهم در زمانی که حتی در میان مردم خودش در انزوای کامل قرار دارد؟ شاید خامنه‌ای برای حفظ قدرت بلامنازعش مجبور به سرکشیدن جام زهری باشد که کشور را بار دیگر، در چنگال قدرت‌های بزرگ امپریالیستی اسیر گرداند و یا اینکه یکبار هم که شده بر سر عقل آمده و از قدر قدرتی خود و سپاه پاسدارنش، چشم‌پوشی می‌کند و قدرت را به صاحبان اصلی آن، یعنی مردم می‌دهد. خیر! هرگز چنین اقدامی از ماهیت این نظام فاسد و رهبرش خامنه‌ای، برنمی‌خیزد. یا با مردم و با اتکا به نیروی توده‌ها علیه دشمنان خارجی، یا ساخت و پاخت با امپریالیست‌ها برای حفظ نظام پوسیده علیه مردم ایران، شق وسطی وجود ندارد. ●

فساد عظیم و گسترده‌ای را در دستگاه‌های دولتی و حکومتی آرام آرام صورت بدهند و تاکنون نیز ادامه پیدا کرده و این فسادهای عظیم اقتصادی با سرعت هرچه بیشتر گسترده‌تر شده است، حتی دامن بسیاری از دولت‌مردان «پاک‌دامن» را نیز گرفته است. ما هر روز شاهد بر ملا شدن یک فساد دیگر با بزرگی و حجم بیشتر هستیم، که فساد قبلی را ناچیزتر جلوه می‌دهد. بر اثر عدم مدیریت صحیح منابع و پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی صحیح در راستای مصالح کشور، ایران به پرتگاه اضمحلال سیاسی نزدیک‌تر شده و دود این همه ندانم‌کاری‌ها و خیانت‌ها نیز تنها به چشمان اکثریت عظیم مردم رفته است و ما آثار آن را به‌خوبی در زندگی و معیشت مشقت بارشان شاهدیم.

«برجام» و عواقب مرتبط با آن، که در نهایت به خروج آمریکا از آن منجر شد، یکی از این خیانت‌هاست، که اکنون دامنگیر مردم ایران شده است. خیانتی که وضعیت معیشتی هشتاد میلیون ایرانی را به قهقرا کشانده است. در چنین شرایط ضعیفی، که جمهوری اسلامی در آن قرار دارد و از طرف اکثریت مردم تهدید به سرنگونی شده است، امپریالیسم آمریکا به رهبری رئیس‌جمهورش، ترامپ، و با اصرار و دسیسه‌چینی‌های همسایه‌گانی، نظیر اسرائیل و عربستان موقعیت را غنیمت شمرده و بار دیگر فشارها را بر ایران افزایش داده‌اند، تا شاید بتوانند روند این پروسه سرنگونی را تحت کنترل خود درآورند. یکی از این دسیسه‌های جدید تشکیل «گروه اقدام علیه ایران» است.

وزیر خارجه آمریکا، «مایک پومپئو»، در ۲۵ مرداد امسال تشکیل یک «گروه اقدام علیه ایران» را اعلام کرد و بیان داشت که کار این گروه بازبینی و نظارت بر اجرای همه سیاست‌های آمریکا در ارتباط با ایران خواهد بود. او در این اظهارات خود، که اتفاقاً با اختلاف سه روز، مصادف با سالروز کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و آوردن دوباره محمدرضا پهلوی بر سر قدرت، که نقض آشکار و دخالت در امور داخلی ایران و شرکت مستقیم در سقوط دولت قانونی محمد مصدق بود، در یک کنفرانس خبری ایجاد این «گروه اقدام» را که باز هم مانند گذشته نقض آشکار حقوق بین‌الملل و حق حاکمیت ایران است، به جهانیان اعلام کرد.

«گروه اقدام ایران»، که به رهبری شخصی به نام «برایان هوک» آغاز به کار کرده است، وظیفه دارد، تمام اهرم‌های فشار را به‌کار گیرد، تا ایران را منزوی کرده و برنامه‌هایی را برای تسریع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پیش‌بینی و تدوین کند. او جمهوری اسلامی را به خشونت علیه آمریکا و متحدانش متهم کرد و گفت: «مسئله بسیار فراگیر است و {این گروه} مسائل مربوط به ایران اعم از تروریسم، تأمین مالی تروریسم، خشونت در دریا، اشاعه موشکی، نقض حقوق بشر و مسائل متعدد دیگر درباره ایران را پوشش می‌دهد.» او اضافه کرد که: «راهبرد جدید دولت ترامپ اتخاذ رویکرد {جامع} در قبال ایران برای پرداختن به تمامی {تهدیدها} از جانب این کشور علیه منافع آمریکا و متحدانش است. و کارهای این گروه به هماهنگ‌سازی کارهایی که لازم است در سراسر قوه مجریه در باره ایران انجام شوند، کمک خواهد کرد».

تشکیل «گروه اقدام ایران» بخشی از اقدامات ضدایرانی دولت



اعتراض یک زن فعال ضد جنگ

هنگام سخنرانی «برایان هوک»، رئیس «گروه اقدام ایران» در وزارت امور خارجه آمریکا علیه ایران، در زمینه سخت‌تر شدن تحریم‌ها، یک فعال آمریکایی صلح‌طلب و ضدجنگ، با رساندن خود به جایگاه سخنرانی، نسبت به سخنان هوک اعتراض کرد و گفت: «شما می‌خواهید برای جنگ با ایران پرونده‌سازی کنید!».

خانم «مدیا بنجامین»، که فعال صلح و بنیان‌گذار گروه «کد پینک» است، روز چهارشنبه در «اندیشکده هادسن»، که «برایان هوک» برای سخنرانی درباره تهدیدهای موشکی ایران، حضور یافته بود، پس از بخش نخست اظهارات وی، در حالی که نیروهای تنومند انتظامات تلاش می‌کردند او را از جایگاه دور کنند، با صدای بلند مطالب خود را مطرح کرد. مدیا، که تنها حدود یک دقیقه در جایگاه حضور داشت و سرانجام او را با خشونت از محل نشست خارج کردند، خطاب به هوک گفت: «جامعه جهانی می‌خواهد که توافق ایران حفظ شود، آلمان، انگلیس و فرانسه، که متحدان ما هستند، می‌خواهند که این توافق حفظ شود». وی در واکنش به این اظهارات هوک، که می‌گفت «ما می‌خواهیم ایران همچون یک کشور طبیعی رفتار کند»، گفت: «بباید درباره کشور شمال و درباره عربستان سعودی صحبت کنیم؛ کشوری که متحد ما است، اما آنها بزرگترین تهدید جامعه بین‌المللی هستند». وی ادامه داد: «می‌خواهم به پرسش آیا تحریم‌ها به حکومت ایران آسیب می‌رساند یا به مردم آن کشور؟ مسلماً به مردم ایران آسیب می‌رساند». این فعال صلح آمریکایی اضافه کرد: «شما می‌خواهید پرونده‌ای برای جنگ با ایران ایجاد کنید، همچنان که برای جنگ با عراق ایجاد کردید. شما دقیقاً همان کاری را انجام می‌دهید که درباره پرونده عراق انجام دادیم». وی

تاکید کرد: «ما جنگ دیگری در خاورمیانه نمی‌خواهیم، نتیجه حمله به عراق و لیبی چه بود؟ ما مردم سوریه را به مصیبت انداختیم، ما درباره یمن چه کردیم؟» وی در پایان ناگزیر سخنانش که با زور و خشونت خاتمه یافت افزود: «این بمب‌های سعودی است که مردم زیادی را در یمن به خاک و خون می‌کشد».

اعتراض شجاعانه و تحسین‌برانگیز این زن علیه جنگ افروزی آمریکا نه تنها به نفع مردم ایران، بلکه به نفع مردم خاورمیانه و همه خلق‌های صلح‌دوست جهان است. موضع جبهه‌های ضدجنگ همواره دفاع از صلح و ممانعت از تجاوز و مخالفت با زورگویی و سیاست الحاق‌طلبانه و دفاع از تساوی حقوق ملل و احترام به موازین بین‌المللی بوده است. هرگونه تغییر و تحولی و یا تغییر نظام، وظیفه داخلی مردمان آن کشور است. این همان سیاستی است که در زمان تدارک جنگ و تجاوز غرب به عراق، افغانستان و لیبی و سایر ممالک اتخاذ شده و سیاست صحیحی است. «مدیا بنجامین» در پایان با فریاد اینکه «ما باید واقع بین باشیم» شعار داد: «جنگ با ایران، نه؛ صلح با ایران، آری».

صحنه‌های اعتراض «مدیا بنجامین» به زبان انگلیسی، از بسیاری رسانه‌ها و نیز تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به همراه ترجمه فارسی تنها یک یا دو جمله از سخنان او، پخش شد.

امپریالیسم آمریکا، تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسان‌ها و دشمن شماره یک بشریت است



مسیح علی نژاد در کنار مریم معمار صادقی

سخنی کوتاه در افشای شبکه

امپریالیستی، صهیونیستی «توانا»

تارنمای «توانا» و «پایگاه خبری توانا»، که حدود ۶ سال است در عرصه مجازی پا به میدان گذاشته است، شبکه‌ای است با اهداف معین سیاسی جهت شکل دادن افکار عمومی در قالب «بی‌طرفی سیاسی» و دفاع از «حقوق بشر و آزادی‌های مدنی و اجتماعی» غیره! به ظاهر قضیه و به شکل اطلاع‌رسانی و مطالب متنوع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ورزشی این پروژه فریبنده، ایرادی نمی‌تواند باشد. لیکن وقتی از سطح به ریشه می‌روید، می‌بینید که این نهاد توسط امپریالیسم آمریکا با هدف معینی به منظور نفوذ در ایران و فراهم‌ساختن زمینه انقلاب مخملی و یا نرم، «انقلاب صورتی رنگارنگ لبنانی»، صربستانی و اوکراینی و... تأسیس گردیده است. دفاع از مبارزان یوگسلاوی و محاکمه میلوسویچ، رئیس جمهور قانونی این کشور، دفاع از رفیق حریری در لبنان و برآمد او علیه سوریه، دفاع از اپوزیسیون سوریه و افشای رئیس جمهور سوریه، بشار اسد،.... اینها همه با چاشنی حقوق بشر و مصاحبه‌های رنگارنگ با شخصیت‌های بی‌نام و نشان، در بهترین حالت ساده‌لوح و یا خودفروخته و جاه‌طلب نظیر حسن ماسالی‌ها صورت می‌گیرد. این پروژه مانند بسیاری از پروژه‌های مشابه با کمک‌های مالی از سوی «دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا» تأسیس گردید. «توانا» تاکنون، علاوه بر آن، کمک‌های بیشتری از وزارت امور خارجه آمریکا، «بنیاد ملی دموکراسی»، «وزارت امور خارجه هلند» و «اداره نمایندگی ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی» و «گوگل» دریافت نموده است. می‌بینید که امپریالیسم آمریکا بیکار نه‌نشسته است و در تمام جبهه‌ها فعال است و تا به هدف‌اش، احیای نومستعمره‌کردن ایران نرسد، پایگاه‌های نظامی خود را در خاک ایران برقرار نه‌سازد و بر ثروت ایران چنگ نه‌اندازد.... آرام‌نه‌خواهد گرفت.

مدیر پایگاه خبری «توانا»، مریم معمار صادقی است. وی از یک خانواده ثروتمند آمریکایی ایرانی‌تبار و از کودکی در آمریکا بزرگ شده است. اخیراً این عنصر خودفروخته در ویدئویی درباره نقش مثبت جنگ، به عنوان «عاملی ضرور و سازنده در تحولات تاریخ بشری»، با ذکر نمونه‌هایی از جنگ داخلی آمریکا و تجاوز ناتو به یوگسلاوی و جنگ ده ساله دهه ۱۹۹۰ بالکان و تجزیه یوگسلاوی به چند کشور، جنگ نیابتی علیه سوریه..... به تفصیل سخن گفته است. پخش این ویدئو در عرصه مجازی با واکنش همه ایرانیان میهن‌پرست و ترقی‌خواه قرارگرفت. مریم معمار صادقی، از بانیان «موسسه توانا» و اکنون عضو تشکیلی به نام «فرشگرد» که به تازگی با ۴۰ عضو اعلام موجودیت کرده است، می‌باشد. وی اخیراً در گفتگویی، که بی‌بی‌سی فارسی میزبان آن بود، وقیحانه اعتراف کرد که پول این موسسه مستقیماً از آمریکا و چند کشور دیگر (بخوانید اسرائیل! - توفان) تأمین می‌شود و به این مساله نیز افتخار می‌کند. حزب ما بارها نوشته است که امپریالیسم آمریکا فرشته نجات نبوده و نیست. وی همواره عفریت مرگ بوده و بعد از این نیز خواهد بود. سرنگونی رژیم فاسد و دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی و هر تغییر و تحول اجتماعی یک امر داخلی است. مردم ایران به قیم نیازی ندارند و دست رد به سینه اجانب زده و خواهند زد. وظیفه تک تک ایرانیان مترقی و وطن‌دوست است که ضمن مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی‌های سیاسی و احزاب و اجتماعات و حقوق دمکراتیک و رفاه اقتصادی و جدائی دین از دولت و..... به افشای محافل و شبکه‌های خوش خط و خالی که سر در آخور امپریالیسم و صهیونیسم دارند، به‌پردازند و اجازه نه‌دهند که ایران به سرنوشت غم‌انگیز لیبی، سوریه، عراق و اوکراین.... دچار گردد. همت کنیم با دید باز و آگاهانه مبارزه‌مان را برای سعادت و خوشبختی مردم ایران پیش ببریم و این امر بدون شناخت از ماهیت امپریالیسم و افشای شگردهای رنگارنگ علیه این عفریت مرگ ممکن نه‌خواهد بود. چه خوب گفت شاعر: «توانا بود هرکه دانا بود»!



اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

اعدام ۳ زندانی سیاسی را شدیداً محکوم می‌کنیم

رژیم ددمنش سرمایه‌داری جمهوری اسلامی شنبه، ۱۷ شهریور ماه، سه زندانی سیاسی «زانیار مرادی»، «لقمان مرادی» و «رامین حسین پناهی» را، که مدت‌ها در شکنجه‌گاه‌های رژیم به‌سر می‌بردند، اعدام نمود. علی‌رغم اعتراضات داخلی و بین‌المللی و بدون اطلاع به خانواده و وکلای آنها، رژیم جمهوری اسلامی حکم اعدام آنها را به اجرا درآورد.

این اعدام در شرایطی انجام شد که اجرای حکم به وکلای آنان اطلاع داده نشده بود و هیچ‌یک از آنان امکان حضور در زمان اجرای حکم را نیافتند. همین‌طور برخلاف قانون، بیکر اعدام‌شدگان به خانواده‌های آنان تحویل داده نشد و این‌طور که اعلام گردیده است، در محل نامعلومی به خاک سپرده شده‌اند. همین‌طور خانواده‌های این افراد برای پرهیز از اعتراض و خبررسانی تهدید به زندان و مرگ شده‌اند. این اعدام‌ها اما واکنش‌های دیگری در بین نهادهای بین‌المللی و وکلای آنان نیز در پی داشته است. طبق اظهارات وکلای آنان، «زانیار مرادی» و «لقمان مرادی» هیچ نسبت فامیلی با هم ندارند و شباهت نام فامیلی آنها تنها یک تصادف است. اتهام آنها قتل فرزند امام جمعه مریوان است. «زانیار» و «لقمان» در مردادماه ۱۳۸۸ در مریوان دستگیر شدند. این دو، پس از اطلاع از صدور حکم اعدام، نامه‌ای نوشتند که زیر شکنجه مجبور به اعتراف شده و هیچ نقشی در ترور فرزند امام جمعه مریوان نداشته‌اند. گواهان زیادی تأیید کردند که متهمان در زمان وقوع قتل در محل حادثه حضور نداشتند.

در خبری دیگر حسین احمدی نیاز، وکیل مدافع «رامین حسین

پناهی»، از اجرای حکم اعدام موکلش خبر داد. او روز شنبه ۱۷ شهریور (هشتم سپتامبر) به خبرگزاری ایسنا گفت: «ما وکلای آقای رامین پناهی هیچگونه اطلاعی نداریم، اما از منابع موثق اطلاع دادند که حکم اجرا شده است». رامین حسین پناهی ۲۴ ساله و متهم به عضویت در حزب «کومله» بود. او سوم تیر ۱۳۹۶ در حالی بازداشت شد که از سوی نیروهای سپاه پاسداران هدف گلوله قرار گرفته بود. او پنجم بهمن ۱۳۹۶ در دادگاه «انقلاب» سنندج به اعدام محکوم شد. این حکم ۲۰ فروردین ۹۷ به تأیید دیوان عالی کشور رسید. وکلای رامین روند دادگاه را ناعادلانه خواندند و گفتند او در طول دوران تحقیقات مقدماتی و بازجویی در سلول‌های انفرادی، از دسترسی به وکیل و خانواده محروم بوده، برای اعتراف تلویزیونی تحت فشار قرار گرفته است.

حزب کار ایران (توفان) این جنایت وحشیانه توسط رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند. ماشین سرکوب و سلاخی رژیم جمهوری اسلامی قریب به چهاردهه است که ده‌ها هزار نفر را قربانی کرده است. اعدام‌های دسته جمعی اوائل دهه ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در سال‌های ۶۷-۶۸ نمونه‌های بارزی از این سلاخی است، که رژیم با هدف خاموش نمودن مبارزات بر حق توده‌ها و ایجاد فضای ارباب‌انرا بکار گرفت.

حال رژیم در مانده‌تر از گذشته، ماشین سلاخی خویش را روغن کاری کرده و تصمیم دارد آنرا مجدداً برای تهدید و ارباب‌جامعه بکار گیرد، تا به‌تواند بر بحران‌های گسترده درون جامعه سرپوش گذاشته و چند صباحی بر عمر نکبت‌بار خود بیافزاید. اما این سیاست رژیم گندیده جمهوری اسلامی پوسیده‌تر از آن است که به‌تواند موثر واقع شود. زنان، جوانان، معلمان، کارگران و ... از فارس و کُرد و بلوچ و آذری و ترکمن و عرب و همگام و متحد در تدارک سازماندهی یک مبارزه متشکل و یکپارچه بر علیه تمامیت رژیم قتل و جنایت جمهوری اسلامی سرمایه‌داری‌اند. در چنین شرایطی، اعدام سه زندانی سیاسی و محروم از هرگونه حقوق انسانی، دست و پا زدن در منجلابی است که هر روز رژیم را بیشتر در خود فرو می‌برد و آن را به



از راست به چپ: کالینین، لنین، استالین

استالین و افسانه «بلشویک‌های قدیمی»

نوشته: بلشویک فنلاندی - مارکسیست لنینیست تئوری

برگردان: آما دور نویدی

مقدمه

اغلب از تروتسکیست‌ها، آنارشویست‌ها و مبلغان بورژوازی می‌شنویم که یوسف استالین را متهم به قتل تمام یا حداقل اکثر به اصطلاح «بلشویک‌های قدیمی» می‌کنند و بدین وسیله قادر می‌شوند که بقول معروف معنای واقعی نهفته در بلشویسم - لنینیسم را تحریف نمایند. در این جا نمی‌خواهم وارد این بحث شوم که هسته واقعی ایدئولوژی بلشویسم چیست و چه نیست، اما مایلم اتهامی را بررسی کنم که گفته می‌شود استالین «بلشویک‌های قدیمی را کُشت».

۱- این به اصطلاح «بلشویک‌های قدیمی» چه کسانی بودند؟

طبق گفته گروه‌های مذکور در بالا، یعنی به اصطلاح، چپ‌ها، کمونیست‌ها، تروتسکیست‌ها، آنارشویست‌ها و راست‌گرایان، واژه «بلشویک قدیمی» به افرادی مانند «زینوویف»، «کامنف»، «بوخارین»، «رایکف» و غیره اشاره دارد.

آنها ادعا می‌کنند که این افراد نماینده «بلشویسم واقعی» هستند و اینکه استالین آنها را به قتل رساند تا «بلشویسم تحریفی استالینیستی» خود را جای‌گزین سازد.

اما چه چیزی این افراد را «بلشویک قدیمی» می‌سازد؟ مطمئناً برخی از آن‌ها مانند «زینوویف» از اعضای قدیمی حزب بلشویکی بودند، اما آیا این همه آن چیزی است که ما درباره‌اش صحبت می‌کنیم؟ آیا می‌توان «زینوویف»، «کامنف» و شرکاء را، که اختلافات زیادی با لنین، بنیان‌گذار و رهبر بلشویسم داشتند، به هیچ وجه بلشویک

پرتگاه سقوط می‌کشاند.

طبعاً دفاع حزب کار ایران (توفان) از حقوق انسانی زندانیان سیاسی به معنای تأیید ایدئولوژی و یا وابستگی حزبی و سازمانی زندانیان سیاسی نیست. محکوم کردن دادگاه‌های قرون وسطایی سران رژیم گذشته در اوان انقلاب و یا کشتار زندانیان سیاسی مجاهدین در تابستان ۶۷ تأییدی بر ماهیت ارتجاعی این جریانات سیاسی نبود و نخواهد بود.

امروز اما این نیز حقیقت دارد که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها نیز تلاش کرده و همچنان می‌کنند، تا با نفوذ در جنبش مردم ایران و کمک‌های مالی و تسلیحاتی به برخی از احزاب و سازمان‌های سیاسی آنرا به مسیری سوق دهند که در نهایت منافع آنها را در ایران و منطقه تأمین نماید. کمک مالی امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و عربستان به اپوزیسیون ارتجاعی و ناسیونال شونیست‌های رنگارنگ بر کسی پنهان نیست. حزب ما بارها تأکید کرده است که جنبش مردم ایران باید در مسیر پیشرفت خود در خدمت راهبردی انقلاب و در خدمت استقرار نیروهای باشد که دمکراسی را با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی پیوند زند و ایران را در عرصه مبارزه اجتماعی گامی به جلو سوق دهد. در غیر این صورت نیروهای مترقی باید از حرکت سلطنت‌طلبان و سازمان مجاهدین و احزاب کُرد پنتاگونی، نظیر «حزب دمکرات کردستان» و «حزب کومله»، که خواهان براندازی رژیم اسلامی هستند، تا امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها که برای غارت بیشتر مردم با جمهوری اسلامی در افتاده‌اند، حمایت نمایند. عدم مرزبندی با امپریالیسم و صهیونیسم و تکیه به شعار «همه با هم! حول محور سرنگونی جمهوری اسلامی» فرجامی جز شکست و سرخوردگی نخواهد داشت.

تحركات اخیر مسلحانه احزاب ناسیونال شونیست کُرد، که با کمک‌های مالی عربستان و اسرائیل در نواحی مرزی ایران صورت می‌گیرد، در خدمت امپریالیسم و بر ضد منافع مردم ایران است. رژیم جمهوری اسلامی با سوء استفاده از این عملیات مسلحانه به تشدید سرکوب و میلیتاریزه کردن شهرها می‌پردازد و جنبش دمکراتیک و اعتراضات کارگری را از روند رشد طبیعی و سازمان‌یابی خود بازمی‌دارد. لذا وظیفه همه نیروهای مستقل و ضد امپریالیست و دمکرات است که ضمن پیکار علیه جمهوری جهل و جنایت اسلامی به افشای این اپوزیسیون ضد انقلابی و خود فروخته نیز به پردازند و در خنثی کردن توطئه‌های مزدوران امپریالیست کمر همت به بندند.

رژیم سرکوب‌گر و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران را باید با نیروی عظیم توده‌ها و با برپائی انقلابی دیگر به زیر کشید تا به توان سرکوب و قتل و جنایت، فقر و فساد و غارت و استثمار، جادو و جنبل و خرافات و ... را برای همیشه به تاریخ سپرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران!

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!
زنده باد سوسیالیسم، این پرچم رهائی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ شهریورماه ۱۳۹۷

«زینوویف» و «کامنف» مخالف انقلاب بودند و در یک روزنامه بورژوازی آنرا مورد انتقاد قرار دادند، و بدین وسیله طرح بلشویک‌ها جهت سرنگونی دولت را برای دشمن طبقاتی فاش کردند.

«زمانی که متن کامل بیانیه «کامنف» و «زینوویف» در روزنامه غیرحزبی «نوویا ژیزن» از طریق تلفن به من منتقل شد، باور نکردم... من دیگر هیچیک از آن‌ها را رفیق در نظر نگرفتم و با تمام توانم، در هر دو، کمیته مرکزی و کنگره مبارزه خواهم کرد، تا اخراج هر دو آن‌ها از حزب تضمین گردد... بگذار آقایان «زینوویف» و «کامنف» حزب خودشان را تأسیس کنند.» - لنین، (نامه به اعضای حزب بلشویک» (۱۸ اکتبر ۱۹۱۷).

«بوخارین»:

بوخارین علی‌رغم اینکه به علت دیدگاه‌های خود در سیاست اقتصادی به عنوان یک راست‌گرا شناخته شده بود، اما بوخارینیست‌ها به عنوان یک جناح چپ- کمونیست در حزب به نظر می‌آمدند. در اصل این به خاطر ماجراجویی و مخالفت آن‌ها نسبت به پیمان «صلح برست- لیتوفسک» بود.

لنین اعمال بوخارین و «چپ» - کمونیست‌ها را در «جنگ یا صلح؟» به شدت رد کرد. «... کسی که علیه صلح فوری، حتی اگر بسیار طاقت‌فرسای باشد، قدرت شوروی را به خطر می‌اندازد».

لنین هم‌چنین در جبهه اقتصادی سال ۱۹۲۱ در اثر خود «یک‌بار دیگر درباره اتحادیه‌های کارگری: درباره اشتباهات بوخارین و تروتسکی» به بوخارین حمله کرد.

«تروتسکی»:

اشاره به تروتسکی در این زمینه شاید ضروری نباشد، اما به خاطر داشتن آگاهی کامل از موضوع، من این کار را می‌کنم. تروتسکی فقط در سال ۱۹۱۷ به حزب پیوست و در هر صورتی نمی‌توان او را یک بلشویک قدیمی به حساب آورد. تروتسکی در ابتدا یک منشویک (سال ۱۹۰۳-۱۹۰۵) بود، سپس عضو اولترا اپورتونیست بلوک اوت (۱۹۰۷-۱۹۱۳) بود که لنین مسخره‌اش می‌کرد، و مخالف «زیمروالد» چپ بود که لنین حمایت می‌کرد (۱۹۱۴-۱۹۱۶) و در نهایت یک نیمه - منشویک مژرایونتسی (۱) بود که در سال ۱۹۱۷ دیگر وجود نداشت. اختلافات تروتسکی با لنین آن‌قدر زیاد هستند که نمی‌توان همه آن‌ها را ذکر کرد.

تروتسکی، دشمن دیرینه لنین بود، تا جایی که لنین را واداشت از تروتسکی به عنوان یک «یهودا»، «خوک»، «آدم پست»، «بوروکرات»، غلام بورژوازی لیبرال نام به‌برد و تئوری انقلاب دائم او را هر دو، «چرند» و نیمه- منشویک بخواند. (جهت ادعاها، ارائه منبع نقل قول‌ها در پایان می‌آید، در غیر این صورت این بخش بیش از حد طولانی می‌شود).

لنین هم‌چنین به تروتسکی برای برخورد نامعقول‌اش- پریدن از شاخه‌ای به شاخه دیگر- تغییر موضع ناگهانی به معاهده «صلح برست» و سیاست اقتصادی مضحک و ضعف او در اداره اتحادیه‌های کارگری به همراه «بوخارین» پرخاش کرد.

۴. بلوک راست‌گرایان و تروتسکیست‌ها

در سال ۱۹۲۱ لنین در دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه، جهت

واقعی خواند؟ ثانیاً، افراد زیادی بودند که هم‌چنین از اعضای قدیمی حزب بلشویک بودند، اما همان‌شان و مقام «بلشویک‌های قدیمی» را نمی‌گیرند.

بنابراین، ما تنها می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که راست‌گرایان، تروتسکیست‌ها و هم‌نوعان آن‌ها «بلشویک‌های قدیمی» را صرفاً برای افرادی محدود می‌کنند که توسط استالین کشته شده‌اند. این تنها توصیف آن‌هاست.

۲- بلشویک‌های قدیمی واقعی

جالب است که به نظر نمی‌رسد منتقدان راست و «چپ» استالین، گروهی را که در ذیل می‌آید از افراد بلشویک‌های قدیمی به حساب بیاورند، علی‌رغم این واقعیت که آن‌ها آشکارا بلشویک بودند - یا حداقل وقتی که ادعا می‌کنند که «استالین بلشویک‌های قدیمی را گشت»، آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

توجه: فراکسیون بلشویکی حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه (بلشویک) در سال‌های ۱۹۰۳-۱۹۰۷. خود حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه در سال ۱۸۹۸ تأسیس شد.

استالین (در سال ۱۸۹۹ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه پیوست. از اوایل ۱۹۰۳ بلشویک بود)

کالنین (در سال ۱۸۹۸ به حزب پیوست. حداقل از اوایل سال ۱۹۰۵ بلشویک بود)

وروشیلوف (در سال ۱۹۰۳ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

اورژونیکیدزه (در سال ۱۹۰۳ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

سویدولف (در سال ۱۹۰۲ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه پیوست. از اوایل سال ۱۹۰۳ بلشویک بود)

مولوتف (در سال ۱۹۰۶ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

کاگانویچ (در سال ۱۹۱۱ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

این افراد نه تنها توسط استالین به قتل رسیدند، بلکه در واقع آن‌ها متحدان او بودند و من استدلال می‌کنم که بلشویک‌های بهتری از «زینوویف» و شرکاء بودند. به هر حال به دلایلی آن‌ها را به عنوان بلشویک‌های قدیمی به شمار نمی‌آورند.

۳- آیا «زینوویف»، «کامنف» و «بوخارین» واقعاً بلشویک‌های خوبی بودند؟

من فکر می‌کنم که می‌توان براحتی نشان داد که «زینوویف»، «کامنف»، «بوخارین»، «تروتسکی» و شرکاء منحصراً بلشویک‌های خوبی نبوده‌اند و به همین دلیل نه می‌توان آن‌ها را «بلشویک‌های قدیمی» خواند (و این که استالین آن‌ها را «به‌قتل رساند» تا بلشویسم را تحریف کند)، به نظر مشکوک می‌آید.

«زینوویف» و «کامنف»:

خود لنین خواست که «زینوویف» و «کامنف» به دلیل خیانت آن‌ها در آستانه انقلاب اکتبر، کاملاً از حزب بلشویک اخراج شوند.

نقل قول‌های لنین درباره تروتسکی:

«...تروتسکی (این آدم پست... این کلاه‌بردار... برای حزب چاپلوسی می‌کند، اما از هر فراکسیون دیگری بدتر رفتار می‌کند.» - لنین مجموعه آثار ۳۴، ص. ۴۰۰ (۱۹۰۹)

«در جلسه پلنوم، تروتسکی، یهودا، نمایش بزرگی ساخت از مبارزه جهت انحلال طلبی...» - لنین «تروتسکی، یهودای شرمنده» (۱۹۱۱)

تروتسکی... «تئوری انقلاب مداوم» چپ چرند خود را جار می‌زند. - لنین، «تخریب وحدت، تحت لوای فریاد برای وحدت» (۱۹۱۴)

«تروتسکی... از منشویک‌ها... تئوری قرض گرفته است...» - لنین، «درباره دو خط در انقلاب» (۱۹۱۵)

«بلشویک‌ها آگاهانه به پرولتاریا کمک کردند که از خط اول پیروی کنند... بورژوازی لیبرال از خط دوم پیروی کرد... تروتسکی در واقع به سیاست‌مداران لیبرال - لیبر در روسیه کمک کرد...» - لنین، همانجا.

«این تروتسکی چه خوکی است - بکاربردن اصطلاحات چپ و بلوکی با راست‌گرایان...» - لنین، «نامه به الکساندارا کولونتای» (۱۹۱۷)

«این تروتسکی است که در آشفته فکری ایدئولوژیک است... شما در اینجا نمونه‌ای از رویکرد بوروکراتیک واقعی دارید: «تزه‌های تروتسکی از نظر سیاسی ضرر می‌رساند»... - لنین، «اتحادیه‌های کارگری، موقعیت فعلی و اشتباهات تروتسکی» (۱۹۲۰)

تروتسکی ضرورتاً در تمام نقطه نظرات جدید خود اشتباه می‌کند... تروتسکی و بوخارین یک آش شله قلمکار از اشتباهات سیاسی تولید کرده‌اند.» - لنین، «یکبار دیگر درباره اتحادیه‌های کارگری: موقعیت فعلی و اشتباهات تروتسکی و بوخارین» (۱۹۲۱) •

منبع:

Mezhraintsy

<https://www.revolvy.com/page/Mezhraintsy?>

برگردانده شده از:

Stalin & the myth of the "Old Bolsheviks"

20 DEC 2016 / THEFINNISHBOLSHEVIK

<https://mltheory.wordpress.com/20/12/2016/stalin-the-myth-of-the-old-bolsheviks/>

با تسلط رویز یونیسف بر حزب طبقه کارگر ماهیت پروتتری حزب تغییر میکند

ممنوعیت فراکسیون گروهی در حزب بلشویک گفتگو و استدلال کرد. این قانون پذیرفته شد و فراکسیون‌ها یا اخراج یا تسلیم شدند. به هر حال پس از مرگ لنین، گروه‌های مختلف جناحی به طور ناگهانی رشد کردند. در سال ۱۹۲۷ «تروتسکی»، «زینوویف» و «کامنف» به جهت فراکسیون‌بندی و پس از سازماندهی نمایش ضد-حزبی از حزب اخراج شدند، اگرچه «زینوویف» و «کامنف» بعداً به استالین پیوستند.

تروتسکی از اتحاد جماهیر شوروی تبعید شد، در حالی که «زینوویف» و «کامنف» به حاشیه رانده شدند. بوخارینست‌ها نیز مناظره علیه استالین و اکثریت را باختند. تا سال ۱۹۳۲ «تروتسکی»، «زینوویف»، «کامنف» و «بوخارین» تمام قدرت سیاسی قانونی خود را از دست دادند. تروتسکی یک گروه ضد-شوروی توطئه‌گر مخفی ایجاد کرد، که «زینوویف»، «کامنف» و بعداً بوخارینست‌های مختلف به آن پیوستند. این گروه در رسانه‌های شوروی به عنوان «بلوک راست‌گرایان و تروتسکیست‌ها» معروف شد.

این است آن دلیل واقعی که چرا این افراد بعدها دستگیر و اعدام شدند. آن‌ها خواهان بی‌ثبات‌سازی علیه حکومت شوروی بودند که پیش از آن نگران حمله‌های فاشیستی خارجی بود. این عناصر همه توطئه‌های ضد-شوروی خود را انکار کرده بود، اما کشف نامه‌های مختلف از تروتسکی و شرکایش این را بدون شک و تردید ثابت کرده است.

تروتسکی به سدوف «... پیشنهاد برای یک بلوک به نظرم کاملاً قابل قبول است». سدوف به تروتسکی «بلوک سازماندهی شده است، آن شامل زینوویفیست‌ها، گروه استن-لومینادزه و تروتسکیست‌هاست...». تروتسکی به سدوف «کسی بطور گمنام و با توطئه با سرکوب می‌جنگد...». «تا آنجایی که به تشکیلات غیرقانونی بلشویک - لنینست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی برمی‌گردد، تنها اولین گام‌ها جهت سازماندهی مجدد آن برداشته شده است.» - تروتسکی (۱۶ دسامبر ۱۹۳۲) (منبع: کتابخانه کالج-دانشکده هاروارد ۱۳۹۰، ۱۰۱۰، ۴۷۸۲ ذکر شده در پی بر بروت «بلوک» اپوزیسیون علیه استالین.

اینکه شما اقدامات تروتسکی و شرکاء را قبول نکنید یا نه، باید توجیه شود که این عادلانه نیست. ادعا شود که آن‌ها به اصطلاح به علت بلشویک بودنشان، برایشان پاپوش درست کرده بودند، یا ظالمانه کشته شدند. آن‌ها علیه حکومت شوروی جنگیدند و شکست خوردند.

۵. نتیجه‌گیری: آیا ممکن است که خواهشاً بلشویک‌های قدیمی واقعی سر پا بایستند؟

در واقع استالین بلشویک‌های قدیمی را به قتل نرساند، بلکه او ضد-شوروی‌های مُرتدی را کُشت که در بهترین حالت اعتبار بلشویکی آنها زیر سؤال بود. بلشویک‌های قدیمی واقعی افرادی مانند «کالینین» و «وروشیلوف»، کسانی بودند که از ابتدا لنین را در دشواری و سهولت حمایت کردند، نه فرصت‌طلبانی مانند «زینوویف»، که از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرید و هر زمان که موقعیت باصرفه بود، از پشت به لنین جنجر می‌زد.



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان توفانی شما سال‌هاست به حزب «کمونیست کارگری» یورش می‌برید و آنها را عامل امپریالیسم و صهیونیسم معرفی می‌کنید. آیا سندی دارید که نشان دهید این حزب از تجاوز به افغانستان دفاع کرده باشد؟ نظر حزب شما در مورد افغانستان چیست و امروز چه باید بکند و راه حل شما چیست؟

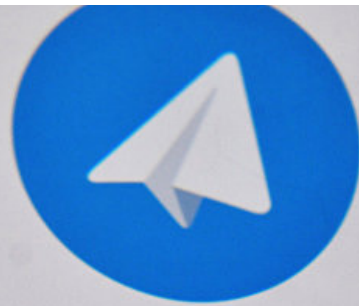
پاسخ: «حزب کمونیست کارگری» به رهبری منصور حکمت، از تجاوز به افغانستان دفاع کرد و سرنگونی طالبان به دست ناتو را مثبت ارزیابی نمود. تمام احزاب واقعی کمونیستی جهان و نیروهای ضدجنگ مخالفت خود را با بمباران و اشغال افغانستان اعلام داشتند و آنرا محکوم کردند. برای اینکه بی‌سند سخن نه‌گفته باشیم، به گفته رهبر این حزب، منصور حکمت، توجه فرمائید:

«در قبال نفس حمله آمریکا به افغانستان چه می‌توان گفت. آیا «دستها از افغانستان کوتاه!» یک موضع اصولی و پیشرو است؟ مردم افغانستان و اپوزیسیون آن جز این به شما خواهند گفت.... سرنگونی طالبان توسط ارتش‌های خارجی به خودی خود محکوم نیست.... آنچه که در سطح نظری و سیاسی می‌تواند جنبش بالقوه مردم پیشرو جهان را به بیراهه بکشاند، بنظر من موضع پاسیفیستی و تلاش عبث لیبرالی برای حفظ وضع موجود (صرف ممانعت از حمله آمریکا به افغانستان) و یا برگرداندن اوضاع به وضع موجود سابق (قبل از ۱۱ سپتامبر) است.»

می‌بینید این حزب آشکارا از این تجاوز استعماری دفاع نمود و در مقابل حزب ما و نیروهای مترقی و ضدجنگ، که با شعار «محکوم

باد تجاوز نظامی به افغانستان» و «حق تعیین سرنوشت به دست خود مردم افغانستان» در «قالب دست‌ها از افغانستان کوتاه باد!» به میدان آمده بودند، ایستاد و آنها را همدست طالبان نامید!

حزب ما، که شناخت صحیحی از ماهیت امپریالیسم و منطقه دارد، همواره تأکید کرده است که در هر مرحله‌ای باید شعار مشخص و قابل فهم و منطقی طرح نمود و تضادهای جاری و حاکم در جامعه را درست تشخیص داد. تاکتیک ممانعت از تجاوز به افغانستان در آستانه بمباران و اشغال آن با شعار محوری «دست‌ها از افغانستان کوتاه و محکوم باد حمله نظامی به افغانستان»، سیاست خردمندانه و درستی بود. اما پس از اشغال افغانستان، توسط نیروهای امپریالیستی، عمده‌ترین شعار سیاسی، «خروج بی‌قید و شرط تمامی نیروهای خارجی از خاک افغانستان است». زیرا حل سایر تضادها در گروی حل این تضاد عمده است. برای خلع سلاح کردن طالبان و سایر نیروهای ارتجاعی و بیرون‌کشیدن مردم از زیر چترشان، باید با مبارزه‌ای فداکارانه و توده‌ای و مسلحانه و همه اشکال مبارزاتی مردم را بسیج کرد و رهبری جنبش ملی را در دست گرفت. نیروهایی که خشت خانه را از آغاز کج گذاشتند و از تجاوز به افغانستان دفاع کردند، امروز با شعار خروج تمامی نیروهای امپریالیستی از خاک کشور مخالف‌اند و در عمل خواهان حضور و ادامه نیروهای خارجی در افغانستان هستند و از استعمار دفاع می‌کنند. تا زمانی که نیروهای متجاوز در خاک افغانستان حضور دارند، حل مسئله ملی عمده‌ترین مبرم‌ترین موضوع برای خلق افغانستان است. امروز افغانستان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک قرار دارد و اگر این امر تحت رهبری مارکسیست - لنینیست‌ها و حزب طبقه کارگر صورت گیرد، انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی خواهد رسید و سپس شرایط گذار به سوسیالیسم فراهم خواهد شد. ●



Telegram
World's fastest messaging app.
and secure.

پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان عزیز، شما درباره سوریه زیاده روی کرده اید. به نظر من دولت سوریه مزدور امپریالیست است و قابل دفاع نمی باشد و دولت ایران هم یک دولت امپریالیستی است. دعوی ایران و آمریکا هم یک جنگ زرگری است و ربطی به ما ندارد.

پاسخ: دوست عزیز، «مزدور» خواندن رژیم سوریه و «امپریالیست» خواندن رژیم ایران، بی اساس است و شما را در قبال تحولات پُر تنش منطقه و یکه تازی امپریالیسم آمریکا خلع سلاح می کند و در کنار هارترین جناح های امپریالیستی و نیروهای متحد آنها، نظیر عربستان، قطر، عمان و اردن ... قرار می دهد. ما برای درک بهتر از مفاهیم و پاسخ به پرسش تان به ماهیت جنگ و تاکتیک و برخورد به نزاعی که در منطقه در گرفته است، مختصراً اشاره می کنیم به این امید که مفید واقع شود.

اگر به پذیریم که تجاوز آمریکا به عراق، افغانستان، لیبی و سوریه و تحریم های اقتصادی ایران و موضوع بمب اتمی موهومی ایران فقط در کادر «دکترین خاورمیانه نوین» آمریکا، که به جنگ گرفتن بزرگ ترین گلوگاه انرژی گازی و فسیلی جهان است، قابل تبیین است، آنوقت چنین جنگی که می خواهد بار بحران اقتصادی آمریکا را حل کند، حتماً با ویران سازی و سرنگونی رژیم های نافرمان و «یاغی و حرف نشنو» این ممالک ممکن است. چنین جنگی، دارای ماهیت استعماری و ارتجاعی است و همه مردم جهان باید برای به شکست کشاندن این طرح غارت گرانه و فاشیستی بسیج شوند، ماهیت سیاست های آمریکا در قبال ایران و افغانستان، عراق، سوریه، کوبا، بولیوی، ونزوئلا و کره شمالی ... همان چیزی است که خود

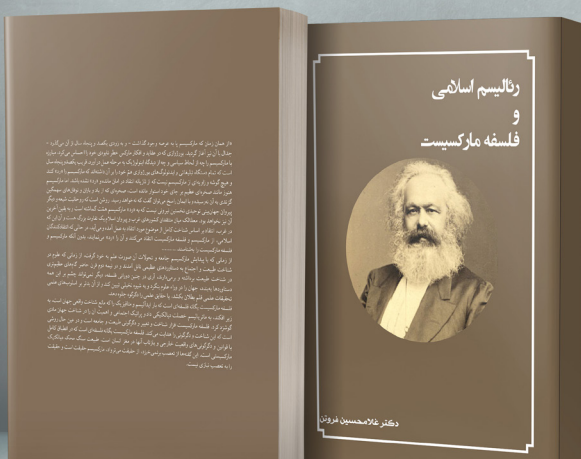
اعلام کرده و آن سلطه مطلق سیاسی، اقتصادی و نظامی بر این ممالک است.

آنچه که ما باید تأکید کنیم، این است که حق ملل در تعیین سرنوشت باید به دست خود آن ملل باشد و نه اجانب. مردم ایران حق دارند خودشان با امکانات و نیروی خودشان رژیم را سرنگون کنند و همینطور مردم سوریه و هر کشور دیگر. اینکه سیاست ممانعت از جنگ تجاوزکارانه، یک سیاست صحیح و اصولی است، جای شکی باقی نیست. نمونه های عراق، افغانستان و لیبی ... را داریم به شعبده بازی هم نیازی نیست. اینکه بورژوازی ضعیف تحت ستم در مقابل بورژوازی امپریالیستی مقاومت می کند و با وی تضاد دارد، از ماهیت الحاق گری امپریالیسم نشأت می گیرد و تا زمانی که ما با سلطه امپریالیسم در جهان سر و کار داریم چنین تضادهایی و چنین نزاع هایی اجتناب ناپذیرند. به نظر حزب ما مقاومت رژیم بشار اسد در مقابل متجاوزین، که به زور تلاش کرده اند حکومتش را براندازند، در کادر حقوق بین الملل و تساوی حقوق دول مشروع است، همان طور که برای رژیم صدام بود و هر رژیم مشابه هم چنین است.

استفاده از تضادهای امپریالیستی و اردوگاه سرمایه تاکتیک جدیدی نیست. همواره در تاریخ و نبردهای طبقاتی قرن های اخیر داشته ایم و نیازی به تکرار و مثال آوردن های آنها نیست. وقتی عراق در دوران صدام حسین نفت اش را به واحد یورو فروخت و پشت اروپا (آلمان و فرانسه) موضع گرفت، خشم آمریکا را برافروخت. زیرا صدام آگاهانه به اختلافات آمریکا و اروپا دامن زد و از تضادهای آنها سود بُرد، اگرچه در نهایت به خاطر توازن قوای بین المللی زورش نرسید و سرنگون شد. در آن شرایط، آلمان و فرانسه به شدت از عراق دفاع کردند و در مقابل آمریکا ایستادند، آمریکا را افشا ساختند



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

به حزب طبقه کارگر ایران
پیوندید

و... حال آیا می توان گفت صدام نوکر آلمان ها بود؟ خیر، نبود. آن نیروهای بی خردی که جنگ را از هر دو طرف محکوم می کردند، «یک طرف عراق و فرانسه و آلمان و طرف دیگر آمریکا و انگلیس» در واقع کپی برداری ناشیانه و احمقانه از صف بندی های جنگ جهانی اول بود.... به قدری سخیفانه و کودکانه که امروز ما نیز با همان خزعبلات و پرت و بلاگوئی های گذشته دوره تجاوز به عراق و افغانستان و... مواجه ایم و تئوری های التقاطی ترسکیستی و شبه ترسکیستی و اولترا امپریالیستی کائوتسکیستی بیداد می کند و بسیاری از دوستان و رفقای صمیمی و مبارز را به انحراف سوق داده است. امروز وقتی همه نیروهای دمکرات و آزادی خواه و کمونیست جهان بسیج شدند، تا مانع تجاوز آمریکا به سوریه و سرنگونی رژیم اسد شوند، عده ای به جای تقویت این جبهه به خاک پاشیدن به چشم مردم و مشوب افکار مشغول اند و برای اینکه تئورهای انحرافی شان درست از آب درآیند، حضور ایران در سوریه را که به دعوت دولت بشار اسد صورت گرفت تا با نیروی داعش به جنگد، به یکباره متجاوز و بدتر از آن نیروی امپریالیستی تحلیل می شود!!

دوست عزیز، آمریکا و متحدین اش در سوریه، که قصد سرنگونی دولت اسد را داشته تا آن را تخته پرشی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تقویت نیروهای ضد روسی تبدیل کنند، شکست راهبردی خورده اند و «ادلب» این آخرین پایگاه تروریست های آدم خوار است که با توافق روسیه، ترکیه و ایران در حال بازپس گیری است. در شرایط کنونی راهی جز خروج برای اشغالگران یعنی آمریکا، ترکیه و بقایای داعش از خاک سوریه باقی نمانده است. شکست داعش در سوریه، این پیاده نظام امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپایی اش، به نفع همه خلق های منطقه و جهان است. امیدواریم با این توضیحات در افکار تان تجدیدنظر نمایید و به عنوان یک ایرانی میهن دوست، دمکرات و ضد امپریالیست به مردم میهن تان خدمت کنید. ●

با توفان همراه شوید
@TOTOUFAN



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 25773372600

IBAN: DE70201100222573372600

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346